

**در صفحات دیگر این شماره:**

- نگاهی به جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویونیستها (۲) صفحه ۱۷
- در چین ر و ویزیونیستی چه میگردد؟ (۳) صفحه ۱۰
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۸) صفحه ۱۵
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۰) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۸

## وظایف عملی مادر قبال آوارگان جنگ

با اوکسری حک ارخانسی ایران و عراق و سند حملات تونس در کردستان که به شهرها، مخصوصاً مناطق نزدیک به مرز که خرابی و هلاکت عده زیادی از سربدهای این مناطق را در پی داشته، خیلی از شهرها از جمله هواز، آسنادان، حرمشهر و... عمدتاً از جمعیت خالی شده و مردمی دفاع از این شهرها که از آنها رنج و سختی سبب شده است بودند محصور به کوچ به شهرهای این سرزمین سراز، محسولمان، زامهرمز و... کردندند.

نقشه در صفحه ۱۳

## پرسشنامه مبارزات کارگری

صفحه ۳

## در کرمانگرم جنگ غیرعادلانه کنونی رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر دلیر را در خوزستان تیرباران کرد

★ پیکارگر شهید مجید اشرفی، تفکر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار  
 ★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار  
 ★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم: کمک به جنگزدگان و مسئول چادر اعداد هواداران پیکار

صفحه ۷



## آزادی گروگانها: آغاز ماه عسل روابط ایران و آمریکا

روز سیزدهم آبان سالروز واقعه سفارت است. درست یکسال از این واقعه میگذرد، واقعه‌ای که طی آن ۵۲ خاوس آمریکا بی گروگان گرفته شدند. رژیم جمهوری اسلامی و سوزده جناح خرد بورژوازی آن کوشیدند تا در این اقدام مداخله امپریالیستی برنهموده‌ها که در آن زمان به سرعت رو به افول بود، فزاید. و از این طریق با اهدافی که در صورت خود را هر چه بیشتر تثبیت نماید. واقعه سفارت که خود بسیار نگر نقادهای درونی دو جناح از هیات حاکمه را یکسو و نقاد بیخ خورده بورژوازی هیات حاکمه (جبهه درون حزب و جبهه خارج از آن) امپریالیسم آمریکا نقشه در صفحه ۲



گرامی باد یاد پیشمرکه شهید رفیق تیمور حسینیانی

صفحه ۵

## ۱۳ آبان، روز نبرد خونین دانش آموزان انقلابی بامزدوران رژیم شاه گرامی باد

صفحه ۲۲

**خبرنامه جنگ ۵**

پیکار

جنگ و حساب رویونیستها

چهارگانه ایران و عراق سوزنی برآید

کودکانش در خدمت رژیم جمهوری اسلامی

گوشه‌های مختلف جنگ دستگیری هواداران سازمان مرکزی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلفای ایران

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

بود، بهمانا به تندبچی بود که نه تنها توده‌ها بلکه بسیاری از نیروهای کمونیستی را نیز غافلگیر کرد و آنها را به انحراف کامل از ما رکیسم و سوا لغزش از آن دچار نمود. که ما در شما ره پیش از آن سخن گفتیم. اما گذشت زمان و اوقات و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی، بتدریج و تا حد زیادی چهره دروغین ما رزه‌فدا مبریا لیستی او را روشن ساخته و برای بخشهای وسیعتری از توده‌ها معلوم گردید. که رژیم ما کم‌کم در برابر سر منافع آنها ایستادگی نموده خواهانهای آنها را با سرکوب و گلوله‌ها پاسخ میدهد، نه میخوابد و نه میخواند و نه میخواند.

جنگ ایران و عراق، عامل جدیدی بود که رژیم جمهوری اسلامی توانست در سایه آن یکبار دیگر به توهمن توده‌ها را من بزند و انگونه وانمود نماید که این جنگ را ما مبریا لیسم آمریکا توسط عراق و با هدف سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تدارک دیده است. بوقهای تبلیغاتی رژیم بکار افتادند و روز و شب توده‌ها را به "دفاع از میهن" و "شهادت در راه اسلام" فراخواندند و تنور جنگ نا اعدا دلانهای را که گوشت دم‌توپ آن تنها زحمتکشان دو کشور ایران و عراق بودند و غنرو داغتر کردند. این جنگ نیز همانند واقعیه سافرت نه تنها توده‌های وسیعی از مردم ما را دچار توهمن نمود و آنان را از موضع شرافتمندانهای به دفاع از میهن و ادا رساخت، بلکه بخش نا بیگیر جنبش کمونیستی ما را نیز غافلگیر و در چار انحراف جدی نمود. این تندبچی دوم در طول یک سال اخیر نه تنها خیانت رویزونیستها را بیش از گذشته افشا کرد، بلکه خط فاصل میان نیروهای پیگیر و نا پیگیر جنبش کمونیستی را بیش از هر زمان دیگری پررنگ و آشکار ساخت.

اما اگر از واقعیه سافرت تا شروع جنگ ایران و عراق نزدیک به یکسال وقت لازم بود تا توده‌های وسیعتری بی بهما هیت "فدا مبریا لیستی" رژیم جمهوری اسلامی ببرند، اینبار از شروع جنگ ایران و عراق بیش از هفت هفته نگذشته است که اسطوره "فدا مبریا لیست بودن" رژیم سرعست در حال فروریختن است و هر روز که میگذرد، پرده‌ها بالا میروند و چهره واقعی این رژیم فسد خلقی و پاسدار سرما به برای بخشهای وسیعی از مردم روشن میشود و این نیست مگر نتیجه حدت با بی مبایزه طبقاتی و رشد و اعتلا و جنبش توده‌ای، برون‌دی که ویژگی دوران کنونیست.

شروع جنگ ایران و عراق از یکسوز مینسه مناسی بود که بنی مدرو لیسرا آنها و بخش کمبرانور که بویژه در ارتش دارای قدرت و نفوذ هستند، در مقابله با حریف خود، حزب جمهوری موقعیست مناسبتی پیدا کرده و با بدست گرفتن مقام ریاست شورای عالی دفاع توسط بنی مدرو با

توجه به نقش و اهمیت که ارتش در شرایط جنگ فعلی دارد، برنا مهوسا ستهای خود و از جمله به بود و گسترش روابط ایران و آمریکا را به پیش ببرند. از سوی دیگر عواملی چون برتری نظامی عراق و پیشروی ارتش آن در مناطقی از ایران و وابستگی اقتصادی و بویژه نظامی ایران به آمریکا در همین رابطه کمبود تجهیزات و وسایل یدکی نظامی و مهمات و مهمتر از همه عدم پشتیبانی مردم و بخصوص اهالی مناطق جنگ‌زده از این جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه و چشم‌پوشاندن بحران سیاسی - اقتصادی ناشی از این جنگ که تا ما در رابطه با هیت فدخلقی هیات حاکمه قرار دارند موجب میشد که علاوه بر لیسرا لیسرا و کمپرادورها، جناح بورژواشی حزب جمهوری و حتی برخی از نمایندگان غیر وابسته به این حزب (نظیر خلخال) نیز روی سرعت بخشیدن به به بود و گسترش روابط ایران و آمریکا تکیه کنند.

در این میان، آزادی گروگانهای آمریکائی برخلاف آنچه که در بیانیه‌های آن را دارد، نه نقطه پایانی، بلکه نقطه آغازین روابط و بهمانا به چراغ سبزی است که ایران بعنوان "حسن نیت" از خود نشان میدهد. علائم این حسن نیت از مدت‌ها پیش و بخصوص در سفر نخست وزیر مکتبی و حزبی بهما زمان "دول متحد" کا ملا آشکار بود. رجاشی نخست وزیر حزبی که تا همین چندی پیش (و امروز هم) از جناح پاسا مبریا لیسم آمریکا دا دسخت میداد و گروگانها را جاسوس و قاتل محاکمه میداد، در سفر اخیرش به آمریکا در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت که آمریکا (یعنی همان شیطان بزرگ) قدم در راه تکامل معنوی گذاشته و آنچه را که آمریکا با بددقبال آزادی گروگانها متعهد شود عملا پذیرفته و تنها کافی است که بروی کاغذ آورده شود!

خلخال این نماینده با نفوذ مجلس شورا نیز قبیل از تصمیم‌گیری‌های مجلس درباره آزادی گروگانها، در مصاحبه خود با خبرنگارهای سوئدا اظهار میدارد:

"علاوه بر مینا نه‌روهاشی که در طرف بنی صدر رئیس جمهور ایران هستند نمایندگان دیگری هم خواستار آزادی گروگانها قبیل از انتخابات هستند... این اقدام نمایندگان بخاطر کمک به پیروزی کا تر در انتخابات نیست، بلکه بخاطر این است که ایران هم اکنون در نظر دارد، بیشترین سود را از میادله گروگانها ببرد" (کیهان ۱۲ آبان ۵۹)  
خلخال بلانای طله نه تنها مفهوم بیشترین سود، بلکه با پاسا دگی و صراحت تمام مضمون اصلی شرایط اضافه بر ۴ شرط قبلی را برای آزادی گروگانها بیان میکند. و در دنباله سخنان قبلی خود میگوید:

"یک شرط به چهار شرط قبلی برای آزادی

گروگانها افزوده شده و آن ارسال سلاحها و لوازم پزشکی است که ایران قبلا از آمریکا خریداری کرده و در یافت نداشت بود" (همانجا)  
خلخال این اضافه میکنند:

"نظر به اینکه شوروی به عراق کمک میکند آمریکا هم باید به ما اسلحه بدهد... جنگ با عراق طولانی میشود و اگر آمریکا به ما سلاحهای که خریداری کرده بودیم ندهند تعداد زیادی از مردم جان خود را از دست میدهند" (همانجا).

روشن است که موضع رژیم جمهوری اسلامی، آمریکا را بیش از حد خوشحال میکند و کارتر هم قبلا موافقت آمریکا را با این مساله در مصاحبه تلویزیونی انتخاباتی خود اعلام داشته بود:

"بعضی آزادی گروگانها آمریکا لوازم نظامی که ایران قبلا سفارش داده بود به این کشور ارسال میدارد" (همانجا)  
ضمنا آمریکا با در نظر گرفتن جوانب دیپلماتی این مساله در رابطه با وسایل مبریا لیسم روس و جنگ کنونی ایران و عراق و در واقع برای مشروع و قانونی جلوه دادن ارسال اسلحه به ایران از زبان سخنگوی وزارت خارجه اش اعلام میکنند که:

"احتمال ارسال اسلحه و لوازم پزشکی به ایران" بیطرفی آمریکا را در جنگ ایران و عراق تفسیر نمیدهد" (همانجا)  
در اینجا این نکته را نیز باید اضافه کرد که انتخابات آمریکا اگرچه در تریسبع آزادی گروگانها و به بود و گسترش روابط ایران و آمریکا موثر بوده ولی این بهیچوجه معنی تعیین کنندگی آن نبوده و رژیم جمهوری اسلامی با توجه به هیتش چاره‌ای جز حرکت با این سمت نداشت و قبیل از آنکه برای رژیم جمهوری اسلامی انتخابات کا تر برای ریان مطرح باشد (که این البته معنی ندیده گرفتن جنبه ترجیحی انتخاب کا تر برای رژیم جمهوری اسلامی نیست) مسئله روابط سیاسی و اقتصادی اجتنابنا پذیر رژیم حافظ سرما به داری وابسته ایران با مبریا لیسم آمریکا است.

با این ترتیب، آزادی گروگانها، که همه چیز بر قطعیت آن دلالت دارد. اگرچه نقطه پایانی است بر یک دوره بحرانی از روابط ایران و آمریکا، ولی نقطه آغازی است برای یک دوره بنا گزیر رژیم جمهوری اسلامی ایران با دیدن پاسا دگی و در آن زندگی و تغذیه میکرد.

اما اگر از دوره شکوفاشی روابط ایران و آمریکا بمعنی تشدید وابستگی به مبریا لیسم آمریکا و تشدید فقر و ستم توده‌هاست، پس باید آنرا همچنین نقطه آغاز جدیدی در فروریختن هر چه بیشتر توهمن توده‌ها، تشدید مبارزه طبقاتی و رشد و اعتلا بیشتر جنبش دموکراتیک و ضد

بقیه در صفحه ۲۵

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



# جنبش کارگری



## عدم استقبال کارگران علاءالدین از رفتن به جبهه

روزشنبه ۳ آبان، از طرف شورای کارخانه اطلاعیه‌ای بروردیوارچسبانه می‌شود مبنی بر اینکه هرکسی که مایل به رفتن به جبهه جنگ است برای اسم نویسی به دفترشورا مراجعه نماید. اما کارگران عمدتاً از این دعوت استقبال نمی‌کنند و از شبفیت شب فقط یک نفر و از شبفیت روز هم تعدادی معدودی نام نویسی میکنند. کارگران اغلب رژیم را مسئول پیروی نیروهای عراقی میدانند و می‌گویند: "چرا ما باید به جنگ برویم اما سرما به داران کارخانه‌ها و ملاحا و بهشتی و رفسنجانی راحت بگردند. کارگران همچنین از گرانی سرسام آورانه که بعد از جنگ چند برابر شده است، شدیداً ناراحت و عصبانی هستند. آنها می‌گویند: "با زاریها که از این جنگ با گران کردن اجناس سود می‌برند، چرا به جبهه نمی‌روند؟"

علیرغم تبلیغات فراوان رژیم و علی‌رغم تمامی عوارض بیبیهایش در مورد جنگ، کارگران که فشارات جنگ، همچون گرانی را بیش از همه بردوش میکشند، ناراضا بنیشتان از رژیم روز بروز بیشتر میشود.

## پرسشنامه مبارزات کارگری

کارگران گسترش دهیم، از اینرو بر خورد مداوم، روزمره و در عین حال دقیق رفقا در جمع بندی و ارسال تجارب و گزارشات مبارزه کارگران میتوانم را در راه رسیدن به اهدافمان یاری رسانند.

تهیه این پرسشنامه در خدمت جهت دادن به فعالیت رفقا در کارخانه‌ها و کمک نمودن به چگونگی جمع بندی رفقا از مبارزات کارگری قرار دارد. ما انتظار داریم رفقا با برخورد فعال نسبت به آن، در غنا بخشیدن به فعالیت "نشریه پیکار" کوشش نمایند!

۱- تحلیل زمینه‌های حرکت اعتراضی (هم از نظراً و هم از نظر سیاسی)

۲- شروع مبارزه (با ذکر تاریخ دقیق):

۱- مبارزه چگونه آغاز شد؟

۲- در موقع شروع مبارزه آیا تمام کارگران با هم در مبارزه شرکت کردند؟ اگر نه در ابتدا چه درصدی از کارگران مبارزه را شروع کردند؟

۳- عکس العمل کارگرانی که در ابتدا در مبارزه شرکت نکردند در قبال بقیه چه بود؟

۴- کارگران مبارز چگونه و به چه وسایلی بقیه کارگران را به مبارزه کشیدند؟ شیوه‌ها و وسایلی که مورد استفاده کارگران برای عمومیت بخشیدن به مبارزه قرار گرفت چه بود؟ (تبلیغ شفاهی، دعوت از کلیه کارگران و ایراد سخنرانی، بخش اعلامیه و تراکت در سطح وسیع، راه انداختن تظاهرات و راهپیمایی در قسمت‌ها، تهدید و ارعاب و...)

۵- شکل حرکت اعتراضی: اعتصاب، کم‌کاری، تحمّل، عریضه نویسی، گروگانگیری، اشغال کارخانه و...

۶- شکل عمومی حرکت اعتراضی در این کارخانه چگونه بوده است و اگر در مقامی تغییر ریخ داده است به چه علت بوده؟

۷- روحیه کارمیر حرکت کارگران چه بود؟ نتایجی و در عین حال منضبط یا آنا ریشیتی و یا آرام...؟

۸- خواسته‌های اساسی کارگران:

۹- خواسته‌های اقتصادی: افزایش دستمزد، تقلیل ساعت کار، بهبود شرایط کار، لغو شیکار، لغو

رفقا! در رابطه با تصحیح خط مشی، مضمون و شکل "پیکار" که ما از شماره ۷۲ به این طرف، کوشیدیم فعلاً در جهت آن اقدامات نمائیم و نشریه را بیک ارگان سیاسی - تبلیغی توده‌ای تبدیل نموده و بویژه نقش جنبش کارگری را در آن برجسته نمائیم. اکنون قصد داریم بصورت مرتب، صفحاتی از نشریه را (با توجه به مجموعه محدودیتها و امکانات) به درسها و از جنبش کارگری اختصاصی دهیم. بی شک بدون رابطه فعال کلیه رفقای بخش کارگری سازمان، امکان برخورد به مسائل کارگری از طرف هیئت تحریریه، محدود می‌شود. ما ضمن آنکه از طریق تشکیلات، ارتباط کارکنان با بخشهای کارگری سازمان را در نظر داریم، در عین حال میکوشیم از طریق خودنشریه نیز ارتباط لازم را با رفقای هوادار که قادر به ارتباط تشکلاتی هستند را بوجود آوریم.

از اینرو بر سرشنامه‌های را تهیه کرده ایم که بوسیله پاسخ به سئوالات آن بتوان گزارشات و تجارب مبارزات کارگری را بصورت کامل روشن دقیق و همه جانبه تهیه و جمع بندی نمائیم. از این پس، رفقا، باید بکوشند در برخورد به مبارزات کارگران نکات ملاحظه در پرسشنامه را مورد نظر داشته باشند. و برای ارسال گزارشات و تجارب مبارزات کارگران را برای ما ارسال نمایند. تا ما بوسیله آن بتوانیم:

اولا - در عرصه مبارزات کارگران در هدایت و ارتقاء مبارزات، جمع بندی علل شکست و پیروزی آن و منعکس نمودن آن برای کارگران فعالانه ترکیب کنیم.

ثانیا - بدین ترتیب بتوانیم بصورت عینی تر در جریان مبارزات کارگری قرار بگیریم و تا کنون و تحلیل‌های خود را از جنبش کارگری بر اساس شناخت همه جانبه و گسترده تر از وضعیت موجود جنبش کارگری بنا کنیم.

ثالثا - بتوانیم بصورت فعال مبارزه ایدئولوژیک با جریان‌های رویزیونیستی و انحرافی را در عرصه مبارزات روزمره طبقه کارگر نیز پیش ببریم. و بدین ترتیب محدود مبارزه ایدئولوژیک را به مقیاس وسیعتری در میان

ساعات کار شب در شرایط جنگی و...  
۱- خواسته‌های سیاسی: از بین بردن نیروی ویژه، ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به کارخانه جلوگیری از اخراج کارگران مبارز، برانداختن محیط غفغان در کارخانه، آزادی کارگران دستگیر شده و...

۲- این خواسته‌ها (اقتصادی و سیاسی) تا چه حد مناسب انتخاب شده بودند (با تحلیل مشخص از شرایط مشخص).

۳- شکل کارگران برای پیشبرد مبارزه:

۱- آیا برای پیشبرد مبارزه، کارگران تشکیل داشتند؟

۲- اگر تشکلی موجود بود این تشکل از کجا بوجود آمده و پرورده ایجاد آن چه بوده است و (چگونگی ماهیت آن؟ لیبرالی، رادیکال یا...)

۳- نقش تشکل در پیشبرد مبارزه چه بوده است؟

۴- اگر تشکل در جریان همین مبارزه بوجود آمده است در چه مقطعی از مبارزه وجود آن حس شد و ایجاد کردید؟

۵- نقش "عناصر آگاه" در بوجود آمدن تشکل چه بوده است؟

۶- آیا ضرورت بوجود آمدن تشکلهای عمومی نظیر اتحادیه‌های سرتاسری و... در جریان مبارزه مطرح شد؟

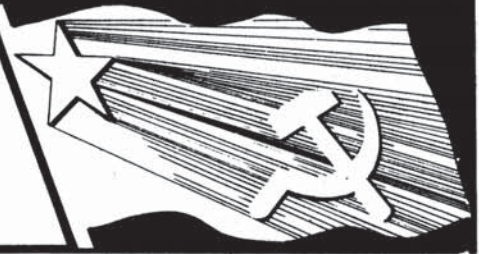
۷- تشکلهای عمومی نظیر اتحادیه‌ها چه نقش احتمالی در پیشبرد مبارزه داشتند؟

بقیة در صفحه ۱۹

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



## وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



### تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۳)

#### اصل دوم: درک نیازهای توده‌ها (اساسی‌ترین مسئله توده‌ها چیست؟)

کهنه‌ها دوسویا لیسیم با رزای اساسی انسان برآورده می‌شود، ما در کنار رمانا روزه برای استقرار سوسیا لیسیم که منافع اساسی آنها را برآورده می‌کند، با سستی مسائل ریزودرشت توده‌ها را در نظر بگیریم. اگر ما رزات توده‌ها اقتصادی است، با سستی درجهت پاسخ به آن برآورد، در عین حال که همواره با سستی به نیازهای مبرم توده‌ها در زمینه مسائل سیاسی پاسخ گفت. تبلیغ با سستی بگونه‌ای عمل کند که توده‌ها همواره به پاسخ روشن و صریح ما در مورد همه نیازها پشان روی بیاورند، آنها با بسند بدانند که ما مثلشان، مسائل ما نیز هست و ما یگانا نه جریانی هستیم که به مسائل آنان پاسخ درستی که منطق بر منافع تاریخی - طبقاتی آنان نیز هست می‌دهیم.

پیش از این گفتیم که انقلاب تنها کار توده‌ها است، اما برای یک انقلاب سروز مند با بسند توده‌ها را آماده نمودن تبلیغ ابزار برای رهبری مبارزه طبقه کارگر است. در شماره پیش گفتیم با سستی نبض توده‌ها را در دست داشت و ارتباط تبلیغ با احساسات توده‌ها را توضیح دادیم. در این شماره تا سون دوم تبلیغ را بررسی می‌کنیم.

همیشه گفته ایم که با سستی در مبارزات توده‌ها شرکت جست، آنرا رهبری کرد و ارتقاء داد اما این شرکت در مبارزات توده‌ها حول جنبه‌ها مسا ئلی با بدینا شد؟

کمونیستها با سستی همواره نیاز مند بهایی توده‌ها را در با بسند در جهت رفع این نیاز مندی - ها بگویند، با بدین عمل به توده‌ها نشان داد که مبارزه ما بخاطر آنهاست و در جهت حل مشکلات آنها، فعلا نه می‌کوشیم. آنها با سستی بتدریج در با بسند که ما مثنی روشنگر نیستیم که کویسا "خیالات عجیب و غریب" در سرداریم. بدین ترتیب آنها با بدین تمامی اطراف خود ما را احس کنند و در تمام می‌دشوارنها ما را همراه خود ببینند. توده‌ها با بدین ما اعتماد دکنند تا حتی در راه رهنمودهای ما، که در سست میدانند و در جهت منافع خویش احساس می‌کنند، جان نیز ببازند - تبلیغ - موظف است همواره مسا بل توده‌ها را در - نظر داشته و از نیازهای آنها حرکت کند، رفیق ما شود را بین با ره میگوید:

"بخاطر برقراری پیوند با توده‌ها با بدین جهت نیاز مند بهایی و آرزوهای آنها عمل کرد هر کاریکه برای توده‌ها انجام میشود، با بدین از نیاز مند بهایی آنها سرچشمه بگیرد، نه از تما یلات یک فرد، ولوا اینکه این تما یلات خیرخواهانه باشند." (۱)

طبیعی است که نیاز اساسی اصلی توده‌ها توسط "سوسیا لیسیم" برآورده می‌شود، اما نادریست است اگر که به نیازهای روزمره توده‌ها توجه نکنیم و در سد حل آنها نکوشیم، به این دلیل

(۱) - ما شوجیه و احد را مور فر هنگی .

نیازهای توده‌ها، تنها نیازهای اقتصادی نیست. در مقابل هر تحولی که در جامعه ایجاد میشود، توده‌ها ما بلند و با بدینا بند، این تغییر چه تا ثیری در زندگی آنان بجای میگذارد و با بدینا بند که چه واکنشی نسبت به این تغییر و تحول داشته باشند. لنین بدرستی تا کیده میکند که بدون یک تبلیغ کمونیستی حول پاسخ صحیح به مسائل توده‌ها (اقتصادی، سیاسی، نظامی) نمی‌توان کارگران را بسوی کمونیسم کشید. لنین برای آموزش کارگران راه دیگری نمی‌شناخت مگر پاسخ به همان مسائل جاری توده‌ها: "برای اینکه کارگران بتوانند سوسیا لدمکرات شود، با بدین طبیعت اقتصادی و سیاسی اجتماعی و سیاسی مالک و کشیش، اعیان و دهقان، دانشجو و لکر در روشن در نظر خود محسوم کند... بتوانند تمیز دهده که کدا میک از موسسات و قوانین فلان با بهمان منافع را منعکس میا زنده و ما تا چگونه منعکس میا زنده، ولی این تصور روشن را از هیچ کنایه نمی‌شود بدست آورد. اینرا فقط ما فرزنده و افشای بدون فوت وقت آنجیز - ها ئی میتوانند بدست دهده که در لحظه کنونی در برابر ما رخ میدهد و در با ره آن همه و هر کس بنا به سلیقه خود صحبت کند و بیبا اینکا فلانجا میکند و در فلان و فلان واقعه فلان بیکره و فلان و فلان حکم دادگاه و غیره و غیره منتظر حرکتهاست. این افشاگر بهایی همه - جانبه سیاسی شرط ضروری و اصلی پرورش روح فعالیت انقلابی توده میا شد" (۲) (تا کید از ما ست)

\* تبلیغ با سستی بگونه‌ای عمل کند که توده‌ها همواره به پاسخ روشن و صریح ما در مورد همه نیازها پشان روی بیاورند، آنها با بدینا بند که مسائل ما نیز هست و ما یگانا جریانی هستیم که به مسائل آنان پاسخ درستی که منطق بر منافع تاریخی - طبقاتی آنان نیز هست می‌دهیم .

\* توجه به نیازهای توده‌ها از جنبه حائز اهمیت است .  
الف - از جنبه کسب اعتماد توده‌ها، نشان دادن پیوستگی مبارزات کمونیستها با مبارزات توده‌ها ،  
ب - از جنبه آموزش توده‌ها

ما رکیسیم - لنینیسم معتقد است که بر آوردن نیاز تاریخی توده‌ها (سوسیا لیسیم) بدون بر آوردن نیازهای روزمره آنان امکان پذیر نیست. کمونیستها برای اینکه بتوانند رهبری مبارزه طبقاتی توده‌ها را در دست داشته باشند، با بدین مبارزات هر چند کوچک آنان شرکت کنند. در غیر این صورت توده‌ها در نبردهایی با کمونیست - ها همراه نخواهند بود. با بدین توده‌ها را در ضمن مبارزه برای نیازها پشان یعنی هنگام پاسخ دادن به مسائل اقتصادی - سیاسی شان پرورش داد.

توجه به نیازهای توده‌ها از دو جنبه حائز اهمیت است.  
الف - از جنبه کسب اعتماد توده‌ها، نشان دادن پیوستگی مبارزات کمونیستها با مبارزات توده‌ها،  
ب - از جنبه آموزش توده‌ها .

بقیه در صفحه ۱۶

(۲) و (۳) - لنین چه با بد کرد .



# خلق ها و مسئله ملی



## رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد، سربازان حرفه ای اجیر می کند

آکشی ز سر در اطلاعات پنجشنبه هفتم آبان ۵۹ به چاپ رسیده است:

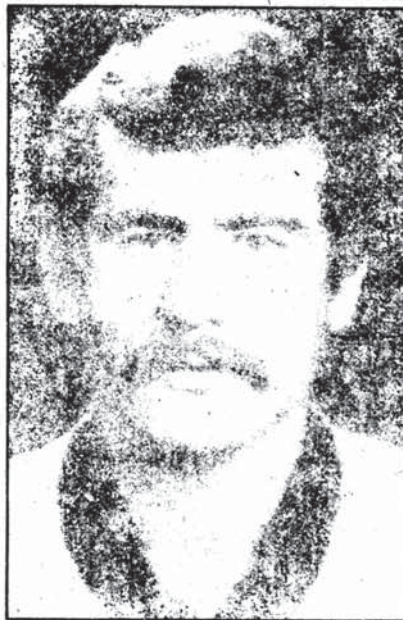
"استخدا میرباقرزاده ای"

سنا دمشرک ارتش جمهوری اسلامی ایران، دیروز اعلام کرد: لشکر ۲۸ سنج برای تکمیل کار در سربازی به ۱۲۹۱ نفر سرباز احتیاج دارد. کسانی که به استخدام قرار دادهای برای مدت یکسال در این لشکر تمایل دارند میتوانند...

سازی به توضیح اضافی نیست رژیم در گرما - کرم جنگ ارتجاعی و تمحیلی بین ایران و عراق - را ادامه سرکوب و حشیا به خلق کرد و نتوانسی مردوران سرکوبگرش و نیز خا خا شدن سربازان برای اعزام به کردستان و کشتار خلق کرد، محبوس به استخدام سرباز مزدور کشته است رژیم - های ارتجاعی از تجربیات امیرباقرزاده است برای ادامه حکومت و سرکوب زحمتکشان بهره رده و خواهند برد. رژیم جمهوری اسلامی از اعزام مزدوران "لژیون خارجی" امیرباقرزاده نرانسه به الجزایر به استخدام مزدوران سفید پوست از طرف امیرباقرزاده ای بلژیک برای کشتار خلق کنگو... بخوبی درس گرفته است و "برادر مورد خلق قهرمان کرد که از یک طرف سازه قهرمانانهاش رژیم را برانورد آورده و از طرف دیگر حقانیت مبارزانهاش برای سربازان و ارتشیان نا آگاهانه زوروش میشود بطوریکه بخش بزرگی از آنان دیگر خا خا شده است با خلق کرد نیستند، بکار نمیگیرند. ولی مزدوران و سربازان حرفه ای رژیم نیز در مقابل کوه دلی خلق دلاور کردنخواهند توانست کاری از پیش ببرند. ■"

## جشن خونین قربان به مردم سقز چگونه گذشت؟

۵۹/۷/۲۸ دوشنبه - صبح این روز عده ای از پیشمرگان حزب دمکرات وارد شهر میشوند. و بعد از گذشتن از قسمتهای مختلف شهر در نزدیکی پل هواش کمین میکنند. و در این هنگام یک ماشین پراخش و پیا سارا از آنجا عبور میکنند و درگیری بین آنها شروع میشود. در طی درگیری عده ای از پیا ساران و ارتشیان کشته میشوند (۱). در این نبرد "منوچهر زنگنه" و "جبار" دو تن از جاشای مزدور کشته میشوند. و بعد از کشته مکاربان مشهوره "عبد قاسم" زخمی میشود. بعد از این درگیری ارتش و پیا ساران در ژاندارمری بقیه در صفحه ۲۱



سازمان خوددستان زحمتکشان سارگزرد و مصمم تورا خود را ادامه دهد...

بعد از قیام رفیق تیمور به همراه رفیقش محفلی تشکیل دادند. این محفل در بوجود آوردن "جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی خلق کرد" بوکان نقش فعالی داشت. در دوران بورش اول رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به کردستان، رفیق در روستاهای اطراف سردشت در میان زحمتکشان فعالانه به کارگزاران مشغول بود. رفیق در تشکیل اتحادیه دهقانی در منطقه "نه لیلین" (اطراف سردشت) نقش فعال داشت و مردم را در جنگ با فئودالها و خلق سلاح کمیته فئودالی "تازه قلعه" (بین سردشت - پیرا نشهر) متشکل نمود. او توانست در این مدت تجارب ارزنده ای بدست آورد. همچنین رفیق تیمور در جریان آزادی سازی شهر بوکان از دست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نقش فعالی بعهده داشت.

رفیق تیمور که عشق به مبارزه در راه طبقه کارگر و زحمتکشان در وجودش شعله ور بود در جستجوی تشکیلاتی بود که بتواند در این راه جویگویی خواستهای مبارزاتی اش باشد.

در رابطه با شهادت رفیق تیمور تشکیلات بوکان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و اعلامیه ای انتشار داده که در اینجا ما قسمتی از آن را می آوریم:

## گرامی باد یاد پیشمرگه شهید رفیق تیمور حسینی

مدتهاست که در خاک سرزمین کردستان لاله های سوخته در تمام طول سال میروند و در هر نقله زکوهها و دشت های آن عطر خود را میبارانند. دیروز ما نیست که افق در سرزمین کردستان خونین است و سرخی اش هر لحظه بر رنگتروا مبدی روزی را در دل زحمتکشان خلق کرد با رور تمیما زد:

۲۷ مهرشبی بود که پیشمرگه قهرمان تیمور حسینی در جریان حمله دودسته از پیشمرگان سازمان به مقر سپاه ساداران و جاشای ضد خلق در سقز بعد از وارد آوردن ضربه توسط پیشمرگان، در حال عقب نشینی موردا ما بست کلوله مرتعین ضد خلق قرار گرفت و چند لحظه بعد شهادت رسید. در آن لحظه بدون شک آخرین فریادش جز "پیروز با طبقه کارگر ایران"، "پیروز با جنبش مقاومت خلق کرد" نبود. او که قلبش آکنده از مهر به زحمتکشان بود خاموش شد، لیکن خون سرخش در فتنه سرخ انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران را سرختر نمود.

رفیق تیمور در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده خرده مالک در روستای "فازلیان" از روستاهای بوکان دیده به جهان گشود... در بوکان بسا پشتکار و با موفقیت دوران متوسطه را گذرانید و بعد از گرفتن دیپلم وارد دانشگاه تبریز شد. ولی یکسال بعد دانشگاه خود را تغییر داد و وارد دانشگاه کشاورزی رفا شد... او با درک ضرورت مبارزه انقلابی برای نابودی ستم و استثمار و راد بر برده ها، فعالانه در مبارزات سیاسی دانشجویی شرکت نمود... در این اوضاع بود که رفیق تیمور توسط مزدوران ساواک شناسایی شد و همین باعث شد که بمدت یکسال از تحصیل محروم شود. اما این امر نه تنها مانع ادامه مبارزه و تشدید موقعیتی بوجود آورد

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



خاطرات يك سرباز (۱۰)

۲۰ اردیبهشت

امروز به محراب رفتیم صحرای قدس زیباست. تمام کردستان زیباست. دشتهای سرسبز که دامنه های کوهسارانی استوار هستند. گلپای وحشی بهاری که در معرض سیم تاس با میخورند: بهای زیبای کردستان!

بر روی گندمهای تازه که در صحرای کاسه استاند به آموزش نظامی پرداختیم در هر حالت با ش که سربازان بدور هم جمع میشدند چند نفری حرف های ضدگرمی زدند. یکی از درجه داران از گروگانگیری انا ش تعریف میکرد و میگفت: وقتی که آنها را گرفتیم آنقدر زدم که دیگر جانی در بدنشان نماند! یک نفر دیگر می گفت: اینها مردمی بیگانه و غریبند، به او گفتیم: بیس این زمینی را که زیر پای ما است چه کسی کاشته است؟ سکوت کرد. من هم سکوت کردم کافی است آنها را بفکر بیداری، تازه بیا دنیا و روند که و رای آنچه شب و روز به آنها میگویند، واقعیات دیگری هست که تنها لازم است آدم گوشها و چشم ها بشوید و بکار ببیند از آنها را در یاد، آخر آنها خودشان هم غالباً از خانواده های زحمتکش برخاسته اند و اکنون نیز تحت ستم و تبعیض هستند گندمهای تازه دسترنج دهقانان زحمتکش کرد حاصل دستهای پینه بسته، زیرچکمه های مال شده

افسرده به پا دگان برگشته ساعت ۳ بعد از ظهر برای یک سخنرانی جمعمان کردند. آخر همیشه غذای سمی لازم است تا مغزهای فاسد تریبت شوند! سرگرد سخنران خود را معرفی



با چشم باز در افق خونین کردستان

کرد: من عضو اداره سیاسی - ایدئولوژیک (همان آشیخزاده های که غذای سمی می پزد) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران هستم. در ستاد مشترک برای مکتبی کردن ارتش اداره - ای بنا ما اداره (سیاسی - ایدئولوژیک) تشکیل شده است. ما ۱۵۰ نفر هستیم و درجه لیسانس داریم. از ما امتحان بعمل آمده است و دوسه ماه آموزش دیده ایم ما در شیمیای دوفره به پا دگان - ها میرویم و در آنجا به فعالیتهای تبلیغاتی از قبیل تشکیل کتاخانه، انجمن اسلامی، تشکیل نمازگاه و تشریح سخنرانی، میپردازیم اولحن صدایش را محکمتر کرد و از ما بزرگوار کفار و دشمنان اسلام سخن گفت... حرفهای پیش رادای "الله اکبر" قطع میکرد و همچنین ادا می داد. آیه های قرآن را میخواند که حکم بر کوبیدن منافقین و از بین بردن کفار، داده اند. آیه ها را با التها و فراوان قرائت میکرد و سعی داشت لحنش کوبنده باشد و حرکت لبها و دهان بازش توجه را جلب کرده بود سرگرد سخنران، ارتش را برای ما اینطور توصیف و دسته بندی میکرد:

جوانان نقش مهمی بعهده داشت. آکا هسی نسبتاً بالای رفیق، آشنایی او به مسائل و مشکلات روستا ثانی، و خطتهای انقلابی اش او را هر چه بیشتر به توده ها نزدیک مینمود. روستا - ثانی زحمتکش روستاهای منطقه کاسه میاران (کوله ساره، شاهینی، ماویان، افرین، لابین، نجف آباد، گانگی، کشه، طه و...) هیچگاه ها طره فعالیتهای مبارزات رفیق تیمور را از بیستاد نخواهند برد. همچنین پیشمرگان سازمان که رفیق نیز در میان آنان بود همیشه بر خورد های صمیمانه و رفیقانه اش را بیا دخواستند. رفیق تیمور بعد از پنج ماه مبارزه خستگی - نا پذیر در روستاهای اطراف کاسه میاران به - وگان بازگشت و با بعهده گرفتن مسئولیت دسته ای از پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید نجم الدین) به همراه توده های زحمتکش به ادا مبارزه بر علیه متجاوزین به حقوق زحمتکش کردستان و سایر خلقهای ایران پرداخت. رفیق آتی از مبارزه نایستاد، تا بدانجا

که خون پاکش را نثار راه طبقه کارگر و زحمتکشان سرا سر ایران کرد.

گرمای بادبادهای تیسور حسیبا نی!  
گرمای بادبادهای بخون خفته خلق!  
پیروز با جنبش مقاومت خلق گردد در  
پیوند با مبارزات خلقهای سرا سر ایران!  
برقرار باد خود مختاری خلقها در  
جمهوری دمکراتیک خلق!  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
بوکان ۱۳۵۹/۷/۲۳



دربزرگداشت رفیق تیمور

پس از شهادت رفیق تیمور در ۲۷/۷، پیشمرگان وعده زیادی از مردم جسد شهید تیمور را برای حمل به زادگاهش روستای قازلیان (در نزدیکی بوکان) تا پل تشیع میکنند. در طول راه شعارهایی به پشتیبانی از پیشمرگان و جنبش مقاومت داده میشد. سپس انبوه جمعیت با ما شین راهی زادگاه رفیق شده و در آنجا شهید را با انقلاب خونین راهبه خاک میسپارند. در مراسم خاک سپاری رفیق شهید از طرف سازمان پیکار، گومله، دفتر ما موستاشیخ عزالدین حسیبی پیام خواننده میشود و مراسم صحبتهای گرم و صمیمانه پدر شهید ختم می یابد.

در روز سوم برگ رفیق شهید در روستای قازلیان زادگاهش مراسم برپا میگردد. در این مراسم پیام سازمان پیکار... و یک قطعه شعر خوانده میشود. در طول مراسم سرودهای ای شهیدان و چند سرود دیگر توسط پیشمرگان و اهالی منطقه خوانده میشود و شعارهایی به پشتیبانی از جنبش مقاومت داده میشود. در روز ۷/۲۹ بمناسبت یادبود شهادت رفیق تیمور در مسجد با ریوکان مراسم یادبود به دعوت خانواده شهید برگزار میشود. در این مراسم یکی از پیشمرگان سازمان پیکار در راه بطنه با شهید شدن کاک تیمور، مختصری از شرح حال مبارزاتی او، جنگ ایران و عراق، مسئله خود مختاری صحبت میکند. در این یادبود پیام سازمان پیکار (اقلیت) خوانده شد.



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد



# درگرمای جنگ غیر عادلانه کنونی رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر دلیر را در خوزستان تیرباران کرد

- ★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم: کمک به جنگزدگان و مسئول چادر امداد هواداران پیکار
- ★ پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
- ★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
- ★ جان رفیق حسنعلی شهبازی کاندیدای مورد حمایت سازمان پیکار در انتخابات مجلس شوراهای دبکراز پیکارگران، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در خطر است.

## ما به خلق قهرمان ایران، در مورد تشدید سرکوب و خفقان و ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیستها درگرمای این جنگ ارتجاعی هشدار میدهم.

میان زحمتکشان آبادان می برداخت، در روز دوم مهر از چادر امداد هوا داران سازمان پیکار دستگیر شد. رفیق به جرم مسئولیت چادر که برای کمک به جنگ زدگان داده شده بود، ۲۵ سیروز تحت شکنجه قرار گرفت و با لایحه در روز ۲۷ مهر توسط دژخیمان جمهوری اسلامی تیرباران شد. پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتر کمونیست و پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست به اتفاق پیکارگر سیر حسنعلی شهبازی (کاندیدای مورد حمایت سازمان در انتخابات مجلس در آغا جاری) در روز سه شنبه ۲۹ مهر در آغا جاری دستگیر شدند. جرم آنها این بود که در روز قبل اعلامیه های سازمان پیکار در مورد جنگ در سطح وسیعی در شهر پخش شده بود! هنگامی که خا نواده های این دلاوران با زن و بچه برای اعتراض به دستگیری آنان روانه سپاه پاسداران میشوند، مورد ضرب و جرح پاسداران سرما به قرار میگیرند و با لایحه در روز شنبه سوم

اسلامی و فریب داده می اندیشد، آری چنین رژیمی از کمونیستها می ترسد و در این میان در چند ماهه اخیر نشان داده است که بیش از پیش از سازمان ما وحشت دارد. چرا که ما همراهِ دیگر نیروهای بیگیر جنبش به توده ها میگوئیم که رژیم در کارخانه ها و مزارع و در کردستان و ترکمن - صحرا چه بر سر زحمتکشان ما می آورد. در دانشگاه ها و زندانها با روشنفکران ما چه میکنند و در جنگ ارتجاعی کنونی چه اهدافی را دنبال میکنند. و روابط واقعی با امپریالیسم چگونه است. آری رژیم از آگاهی توده ها وحشت دارد و چنین است که از اعلامیه ها و نشریات کمونیستها بشدت وحشت دارد و فعالیت افشاگران را با ترور و تیرباران پاسخ میگوید. جنایت جدید رژیم در تیرباران ۳ پیکارگر قهرمان در آبادان و آغا جاری، اادمه سیاست کشتار و سرکوب رژیم برای بازسازی سرمایه - داری وابسته است و ما به خلق قهرمان ایران در مورد تشدید این سیاست سرکوب و خفقان و ترور و تیرباران به بهانه جنگ غیر عادلانه کنونی هشدار میدهم.

## سه پیکارگر قهرمان چرا تیرباران شدند

با شروع جنگ رفقای هوادار سازمان در خوزستان فعالانه در کمیته های امداد شرکت جستند آنها همه جا در کنار توده ها، به افشاکسری بر علیه این جنگ ارتجاعی پرداخته، در ضمن از هیچ فداکاری و از جان گذشتگی به منظور کاهش مدمات جنگ برای توده ها دریغ نکردند. و تیرباران باران دلاورمادر خوزستان نیز بخاطر همین رزمندگی و پیکارجویی رفقای هوادار ما بوده است. پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، که مدتها بود در سنگراسان پیکار ربه فعالیت انقلابی در

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر. با قلبی مالامال از عشق به زحمتکشان و نفرت و کینه به دشمنان خلق و با افتخار و سربلندی شهادت ۳ پیکارگر دلیر ۳ عاشق خلق و ۳ دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم و سرمایه داری را به اطلاع زحمتکشان میهن میرساند و با بیمانشی استوار تر بر برای رهاشی زحمتکشان، مانع همیشه به تنها انگاشش توده های انقلابی میهن روی می آورد.

خلق قهرمان ایران: در بحبوحه جنگ ایران و عراق، که بوق و کرناهای تبلیغات دروغین رژیم مبنی بر "دفاع از میهن" گوش فلک را کر کرده است. در شرایطی که به بهانه شرکت در جنگ، رژیم میگوید مبارزات توده ها را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع منحرف کند.

در زمانی که بخاطر این جنگ غیر عادلانه توده های زحمتکش ما زیر باران خمپاره و توپ و راکت، خانه خراب و در بدر میشوند و جان می سپارند.

در هنگامیکه رژیم با فریب توده ها، خود را مدافع مردم و ضامن امپریالیسم جا میزند، آری درست در همین هنگامه جنگ با دولتی دیگر نیز، رژیم بیش از پیش بر علیه انقلابیون و زحمتکشان توطئه میکند.

رژیم ارتجاعی ایران اکنون با تشدید خفقان و سرکوب، دستگیری و شکنجه و با لایحه اعدام انقلابیون کمونیست، بخوبی نشان می دهد که دشمن واقعی کیست؟ و چه اهدافی را در این جنگ دنبال میکند.

رژیم که به بهانه جنگ هم اکنون مشغول بند و بست با امپریالیسم آمریکا برای خرید سلاح و آزادی جاسوسهاست، رژیم که در این ۲۰ ماهه، جز کشتار و فرفر و نکت و بیکاری و جنگ خانمانسوز برای زحمتکشان ایران به ارمغان نیاورده است و همچون رژیم ضد خلقی شاه شاهان و بختیار مزدور به سر نیزه تکیه کرده و از کردستان تا دانشگاه ها و از ترکمن صحرا تا میدانهای تیرزندان اوین و زندانهای خوزستان و... خاک را با خون پاک زحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها رنگین کرده است، رژیم که منافع سرمایه داری وابسته را حفظ کرده و همچنان از استعمار و غارت زحمتکشان ایران حمایت میکند.

رژیم که کارگران و زحمتکشان را استثمار میکند و مبارزانشان را بخون میکشد، رژیم که با دولت ارتجاعی و ضد خلقی عراق درگیر جنگی غیر عادلانه و بر خلاف منافع زحمتکشان ایران و عراق شده است و همچون سرمایه داران عراق که در فکر توسعه طلبی و منحرف کردن ذهن توده ها از مسائل داخلی خود هستند، به صدور "انقلاب



پیکارگر شهید شکرالله دانشیار  
متأسفانه عکس در رفیق شهید دیگری دست مانرسیده است



### و اینک ۳ کل سرخ دیگر...

مبارزه‌ی ما با استبداد و سرمایه‌داری و سرزاری حاکمیت کارگران و زحمتکشان و سایر سرزاری کمونیسم، زجرکشتن با رنجخواهد ایستاد. در نبرد ما با دشمن طبقاتی، در آن همکام که در دره‌های دشمن را به تحلیل می‌برسم و بیرون و تسخیرت خود می‌افزایم، در آن همکام که در دست‌های پیروزی انقلاب سرخی می‌کوشم، طبقاتی است از ستم‌خواران دولت‌های سرمایه‌داری حاکم در ایران سیستم و ما که در کمونیسم دشمن هر چه کمتر در تسخیرت‌ها شریک‌مان می‌گردیم، اما از سرمایه‌دانشمن‌ها می‌ترسیم.

سنگربان تاریخ ۱۳۲۲ ساله کمونیسم را اگر ما نیفتد را می‌داند کمترین، احد در هزار، سینه‌ها درست است. چند دهه میلیون کمونیست در راه آرمان‌ها نشان به‌شهادت رسیده‌اند. سنگربان کمونیسم را که چگونه کمونیسم را می‌باید آری چنان‌که را به وحشت افکنده و هر آن مرکز را و مسئولی کرده‌است. آری با بدکده جمهوری اسلامی نیز چون هر دولت سرمایه‌داری دیگر از کمونیست‌ها بی‌ترسد، چرا که کمونیست‌ها با ما و آن حاکمیت کارگران

و زحمتکشان، آنگاه سخن از سرمایه‌داری و استبداد را معنی‌تبعه می‌کنند.

**ما می‌دانیم و سبک می‌دانیم که کارگران سرخ**

**سپیدان سرخ از پیمان‌دارانند؛ چرا که در سپیدان**

**تلفاتی تا استبداد کمونیسم را نخواهد ایستاد**

و اینک ۳ کل سرخ دیگر که در میان جمعیت‌های اسلامی نیز سرگردند و عاشق خلق را بدخوبون کشیدند. هر آن دشمنان استبداد است که مسئول‌ها در امتداد جنگ ردگان را می‌کشند و از هر آن سخن اعلامیه‌ها را می‌نکند، سبک‌بازان کمونیست را تیرباران می‌کنند. این به‌شهادت خط سرخ خون سپیدان ما را در تلفاتی را داد و می‌بخشد که ما سوسال مسافران را هم می‌خواهد بسود. ما را می‌باید با این سبک‌بازان کمونیست، بی‌گمان خون‌سپین را با زحمتکشان را در گردن‌ها می‌کشد. ما می‌رویم، غم‌سخت، برمی‌ماند. و این ره‌روان سرخ بسیاری خواهد داد. اکنون نفرات احزاب و جبهه‌ها و لایحه‌ها را در سرور می‌ماند بدل ما را هم، بدست‌های ما را نیز با دست‌های و ستم‌تر می‌ماند توده‌ها سرخ، سپیدان را حتی است که هیچ تا خبر سرخی را در آن نمی‌کنند. کردن ما است. بر زمین ما تا ما می‌توان و سرور است برای آنگاه و منتظر کردن توده‌ها. ما سرور ۳ شهید، برچهره‌ها و ما در سرخ‌ها را سرک‌بازان فدای محکم‌سوی حاکمیت زحمتکشان ما را می‌باید!

### تقدیر از صفحه ۲۴ سالروز...

اطهارات ریفستحاشی کاملاً متعاقب بوده‌است، او گفت: "تکونه می‌توان اطهارات داشت که مسا عدی برای آزادی کروگانها در مجلس وجود داشته‌باشد." (صبح آزادگان ۵۰ آبان) اما ظنی است که چون سرگردگی حزب در دست جناح بورژوازی است؛ این نظرات ریفستحاشی است که غالب خواهد بود. هم‌چنان‌که دیدیم در مجلس نظراتی که سوی آزادی کروگانها را می‌دهد، اکثریت را بدست آورد و مخالفین آزادی کروگانها - ها که شرایط را منتفع آزادی جاسوسان مساعد می‌دیدند که شهادت‌ها مسئله‌فعلی می‌کوت به‌اندک با اکثریت آرای شدند. (۱۱). کوشش دیگران این گروه برای غلبی کردن جلسات مجلس در مورد کروگانها نیز شدند. آنها کوشیدند، با غلبی کردن جلسات آن نمایندگان را که می‌خواهد بسود آزادی کروگانها سخن بگویند، در محظوظ نگذارند. چرا که بسیاری از نمایندگان حزب جمهوری که در گذشته در راه آزادی کروگانها بی‌شهادت بودند، استخوانان آزادی کروگانها هستند. غلبی کردن مجلس کوشش دیگری بود از سوی خائضانی که ننگ از خلق قهرمانان ایران را از سگاری و بندوبست‌ها را با آمریکا بسودمان ببینند. تیر صورت جدال بر سر مسئله کروگانها میان جناح خرده‌بورژوازی حزب کمونیست و بورژوازی لیبرال و جناح بورژوازی حزب کمونیست در مجلس در حقیقت گذشته‌سپار را غی بود. آخرین کوشش جناح خرده‌بورژوازی، از اکثریت انداختن مجلس در روز ۸ آبان با عدم شرکت در مجلس شورا بود. آنها که در مورد مسکوت ماندن مسئله در مجلس ۸۷٪ رای به ۱۵۰ رای شکست خورده بودند و می‌دیدند، اکثریت مجلس خواهان آزادی کروگانها است چنان‌که روزمانده‌ها انتخابات مجلس را از اکثریت و کارآیی انداختند تا مانع تصمیم‌گیری مجلس شوند. جناح خرده‌بورژوازی، حزب می‌خواهد تا کروگانها همچنان بی‌معنویان کالائی توهم آور برای فریب توده‌ها بکار گرفته شود، مضافاً بر اینکه هم‌بورژوازی را در مورد بازاری سرمایه‌داری وابسته‌ها شیوه لیبرال‌ها نیز ندارد و خود شیوه‌های دیگری را قبول دارد. بهر صورت اکثریت الله خمینی دخالت کند و با جناح بورژوازی حزب سرگردگی اش را اعمال کند، رژیم جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، با آزادی کروگانها، در حقیقت به کارسرای می‌دهد! ناگفته‌مانند که ما با دخالت آیت‌الله منتظری و تا کید او سر ضرورت شرکت شما بیدگان را غایب در مجلس با تقلبیت بیشتری می‌توان در این مورد نظر داد.

### نگاهی به...

ما زمان مبارزه مسلحانه است که در جنوب عراق بویژه در منطقه‌ها و دست‌های سگ‌سری عملیات مسلحانه علیه رژیم بعثی الکفر - صدام و دویژگی این گروه، معنا پیدا کند ما با مسلحان بیادنگاه انحرافی مثنی جزئی بود که از آنجا که سرک گروه جدا از توده‌ها در آرد، شخصی با معزیز الحاح که را معنی یا با معنای و شوروی دان حزب بود در رهبری این گروه قرار داشت که پس از دستگیری خود را بر رژیم فروخت و هم‌اکنون در خدمت رژیم بعث قرار دارد.

گروه دیگری هم‌نام "سازمان پیش‌آزادبخش خلق" وجود داشت که در کردستان مدتی فعالیت مسلحانه می‌کرد و دسته‌های کوچک دیگری در سایر مناطق عراق داشت.

ادامه دارد

سرمایه‌داری وابسته، و هرگونه ستم‌طبقاتی و تالوع خورشی‌داری سوسال مسکوت که آرمان‌نشان بود، می‌بیمایم.

درود بر شهیدان قهرمان خلق، بیکارگران دلاور، رفقا ننگر الله انشمار، محمد شرفی و منوچهر نیک‌اندام

درود بر همه شهیدان خلق سرک‌بازان امپریالیسم و ارتجاع سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۸/۸

★ ★ ★

۱ - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه ۶ آبان خود که در جمهوری اسلامی ۸ آبان چاپ شده خواهان مسکوت‌گذاری فعلی مسئله کروگانها شد. بخوبی پیداست که این ارکان خرده‌بورژوازی مرفه‌ستنی بخوبی حس کرده‌است که چگونه بورژوازی سنتی ولیبرال در مورد آزادی کروگانها هستند.

آبان (۴ روز پس از دستگیری) دولت از مقامات - باران می‌نمودند و جان رفیق سوم نیز در خطر است آری حرم آنها تنها عشق زحمتکشان و هواداری سازمان بوده‌است. ما به خلق قهرمانان ایران در مورد سر نوشت بیکارگران اسیر همدار می‌دهیم و از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم که در مقابل ترور و سربرایان بیکارگران ساکت نشینند. راستی که رژیم خود را رسوا می‌کند، دروغگو - بیانی که ادعای صدا مپریالیست بودن دارند، کودتاچیان مزدور آمریکایی را آزاد می‌کنند، برای آزادی کروگانهای جاسوس‌بندوبست می‌پردازند اما بدن سر سخت‌ترین مبارزان ضد - امپریالیست را با سرب‌داغ پر می‌کنند. رژیم، ما و اکیها و مزدوران آمریکایی را به‌سپاهانه نبودن نیروها و حتی بیشتر از یک‌سال محاکمه نمی‌کنند. (ما نباید میرا نظام) و با فورا آزاد کرده، مبالغ‌حساب‌ها می‌سپارد، ولی رفقای قهرمان ما را در فاصله ۴ روز در پشت‌در - های بسته‌بیدادگاها، بدون رعایت کمترین موازین بشری، به‌اصطلاح محاکمه‌وند بازان می‌کند.

اما خون سرخ رفقای قهرمان ما، سینه‌ها افتخار ما و ننگ جمهوری اسلامی است.

خون ۳ رفیق بیکارگر بره‌رود خروشان خون پاک شهیدان انقلاب ایران بی‌بوست تادر سنده - ای نه‌چندان دور، امپریالیسم و ارتجاع را در خود غرق کند.

سنگربان خروشان که هر هشتان را تا نابودی



### تنها طبقه کارگر است که از آزادی حقیقی ملیتها دفاع میکند



یکی از وظایف مهم طبقه کارگر، بهمنسوان  
پیکیرترین و انقلابی ترین طبقه اجتماعی و  
کمونیستها، بعنوان نمایندگان این طبقه  
انقلابی، رفع ستم ملی از خلقهای ستم دیده  
میهنمان (کرد، ترکمن، بلوچ، ترک و...) و  
تامین حق تعیین سرنوشت ملل بدست خودشان  
می باشد.

ستم ملی چیست و چگونه بر این خلقها ستم  
ملی وارد می آید؟ خلقهای تحت ستم ایران،  
سالیان دراز است که زیر ستم طبقاتی و ملی رژیم  
حاکم از حقوق حقه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی  
خود محروم بوده و تحت اشکال گوناگون زیر فشار  
طبقه مسلط قرار داشته و دارند.

مثلا میبینیم که مناطقی مانند کردستان  
و بلوچستان از نظر اقتصادی عقب مانده تر از  
نقاط دیگر هستند سرما به داری در این نقاط  
بسیار کمتر از نقاط دیگر رشد کرده و توسعه ها درگیر  
اشکال مناسبات تولیدی عقب مانده تری هستند  
بورژوازی فارس از عقب مانده بودن این  
مناطق برای غارت بیشتر زحماتشان آنجا  
استفاده کرده است از نظر رفاهی و عمرانی نیز  
این خلقها وضعیت بمرا تابدتری از دیگر  
زحمتکشان محروم میهن ما دارند. بدین ترتیب  
ستم اقتصادی و سیاسی بر زحمتکشان این مناطق  
شدیدتر از دیگر مناطق بوده است.

از لحاظ فرهنگی در زمان رژیم شاه استفاده  
از زبان کردی در مدرسه و پوشیدن لباس محلی  
برای کردها ممنوع بوده و بچه های کرده مجبور  
بودند که در خانه به یک زبان و در مدرسه به زبان  
دیگر سخن بگویند. در مورد آموزگاری نیز  
کردها و بلوچها از حقوق برابر با فارسها محروم  
خوردار نبودند. اینها نمونه هایی از مجموعه  
ستمگریهایی بود که توسط رژیم پادشاهی در  
مورد کلیه خلقهای تحت ستم اعمال میشد و امروز  
از جانب رژیم جمهوری اسلامی نیز سیاست ستم  
گری اعمال میشود.

اما برآستی چگونه میتوان این ستم ملی  
را که نا برابری میان ملیتها و عدم اعتماد و  
تفرقه میان خلقها را بدنبال دارد از میان  
برداشت و چه طبقه ای قادر به رفع این ستم ملی  
میتواند؟

ستم ملی تنها با بکار بردن اصول دمکراسی  
کارگری از بین خواهد رفت. رفیق لنین در  
نوشته "طبقه کارگر و مسئله ملی" مینویسد:

"برای هیچ ملتی و برای هیچ زبانی حتی  
یک امتیاز هم نباید قائل شد! بدون کوچک  
ترین اجاف و بدون کوچکترین تبعیض  
نسبت به اقلیت ملی! اینهاست اصول  
دمکراسی کارگری". کارگران در برابر  
جهان کهنه، جهان ستم ملی، نفاق ملی و یا  
منازعات ملی، جهان نوین وحدت و محبت -  
کشان تمام ملتها را قرار میدهند که در آن  
برای حتی یک امتیاز، حتی برای کوچک -  
ترین ستمگری انسان بر انسان دیگر جانی  
نیست."

آنچه برای طبقه کارگر و کمونیستها در رابطه  
با خلقها بسیار مهم و ضروریست جلب اعتماد  
خلقها به خود می باشد. بورژوازی با تبلیغات  
شوینستی خود میکوشد بین خلقها نفاق انداخته  
و وحدت میان آنها را از بین ببرد تا بدین ترتیب  
بتواند حاکمیت ارتجاعی خود را مستحکمتر  
نماید. طبقه کارگر و کمونیستها با شرکت مستقیم  
در مبارزات توده ای خلقها برای تحقق خواسته  
ها بشان و ارتقا سطح این مبارزات و تسلیخ  
همبستگی میان خلقها و کارگران کلید ملل و  
با لخره با دفاع و پشتیبانی از مبارزات خلقهای  
ستمدیده و طبقه خود را در قبال خلقها انجام میدهند.  
این دفاع و پشتیبانی به چه معناست؟  
همانطور که رفیق استالین در "مسائل لنینیسم" میگوید  
"معنای این آن نیست که پرولتاریا با بد  
با هر قسم نهضت ملی یعنی در همه جا و  
همیشه و در تمام موارد بخصوص کمک نماید.  
سخن ما در اینجا در باب مساعدت به چنان  
نهضت ملی است که باعث ضعف و سر  
نگونی امپریالیسم شود نه آنکه سبب استحکام  
و انقاف آن گردد."

بر این اساس کمونیستها از نهضت خلق کرد  
پشتیبانی میکنند چرا که این نهضت برای رکنان  
ارتجاع و امپریالیسم ضرر و آزار میدهد.  
طبقه کارگر و کمونیستها در عین حال که با  
شرکت و پشتیبانی خود به خلقهای تحت ستم در  
مبارزه شان کمک میکنند، با هر گونه تحریف  
ناسیونالیستی که بخواد هدایت خلقهای تحت  
ستم را از جنبش عمومی خلقهای کشور بر علیه  
ارتجاع و امپریالیسم جدا کند و طبیعتا این جنبش  
را به شکست بکشاند، مبارزه میکنند و به خلقها  
می آموزند که مبارزه آنها جزء جدا جانی ناپذیر  
انقلاب دموکراتیک و فدا امپریالیستی برهبری  
طبقه کارگری می باشد. تنها در صورت پیروزی  
طبقه کارگر بر ارتجاع است که خلقهای سراسر  
ایران آزاد میشوند. و به این ترتیب به خلقها  
ثبات میشود که این پرولتاریا و "فقط  
پرولتاریاست که از آزادی حقیقی ملتها و از  
وحدت کارگران کلید ملل دفاع میکند."



اما چه طبقه ای میتواند این اصول را بکار  
برد؟ آیا طبقه سرما به دار قادر است ستم ملی  
را از میان بردارد؟ بدون شک خیر، بورژوازی  
سعی میکند در برابر خواستهای خلقهای تحت  
ستم در ابتدا موجودیت ملیتها را نفی کند و  
خواستهای خلقها را با سکوت برگزارد نماید و  
هنگامیکه جنبش خلقها بالا گرفت ابتدا سرکوب  
جنبش و چنانچه با زهم موفق به خواباندن جنبش  
نشد میکوشد با دادن آزادی های ظاهری و موقتی  
جنبش را خاموش کند.

شاهد این مدعا ها رژیم پادشاهی پهلوی است  
است که در برابر سرعمرنگین و پیرنگین خود جز  
ستم طبقاتی و ملی علیه خلقهای تحت ستم کار  
دیگری نکرد. رژیم جمهوری اسلامی نیز در مدت  
یکسال و نیم از عمر خود بنا به ما هیت طبقاتی اش  
نه تنها به خواست عادلانه خلقها جواب مثبتی  
نداد، بلکه بعنوان نمونهدیدیم که از ابتدای  
برقراری جمهوری اسلامی، خلق کرد بطرز وحشیانه  
- ای سرکوب شد و خلقهای بیچاره ستم خوار  
خواستهای عادلانه خود را با سماران شهروند  
گرفتند. بعلاوه دیدیم انقلابیونی که همواره با  
خلق کرد بر علیه ارتجاع مبارزه کردند و میکنند  
بطرز سبانه ای تحت شکنجه این سفاکان قرار  
گرفته و یا به جوخه غذا سپرده شدند.

خرده بورژوازی هم بنا به ما هیت و ترزلات  
طبقا تیش نمی تواند جوابگوی رفع ستم ملی  
با شود در مورد خلق کردها میبینیم که نتوانی  
خود را در جایگاهی به خواستهای خلق کرد نشان  
داده و همه جا همدا و همگام با بورژوازی به  
سرکوب جنبش خلقها پرداخته است.

تنها این طبقه کارگر است که بعلمت انقلابی  
و پیکیر بودن خود در مبارزه بر علیه امپریالیسم  
و طبقه کارگر و ستم ملی میتواند این امر مهم را  
بعنوان یکی از وظایف اساسی خود انجام دهد.  
در شوری بعد از انقلاب کبیرا اکثر دیدیم که  
چگونه طبقه کارگر برهبری حزب بلشویک توانست  
به خلقهای تحت ستم آزادی و برابری بدهد و  
در چین نیز خلقهای تحت ستم برهبری حزب  
کمونیست چین توانستند به حقوق واقعی خود  
دست یابند.



## در چین رویزونیستی چه میگذرد؟ (۳)

خیانت آشکار، خیانتی دیگر در شرف تکوین می باشد و آن آنگیز رویزونیستی است که چینی یکی دیگر از دشمنان و ردهای جنبش بین المللی کمونیستی را بطرز وقیحانه ای مورد حمله قرار داده اند. رویزونیستی در چین بحثی برای ادا خسته اندمینی برای اینکه ما هیت نظام دروسی شوروی می تواند سوسیالیستی باشد (۱۴) "وانگ" نما بنده اصلی گفتگوهای چین - شوروی و معاون وزیر خارجه چین اخیراً مطرح ساخته است که "در مورد مسئله بخصوص سوسیالیستی بودن یا سرما به داری بودن شوروی از اظهار نظر شخصی خودداری میکنند و اظهار میدارند که باید در این مورد تحقیق بیشتری شود و نیازی به نتیجه گیری های عجولانه نیست." علاوه بر تنگ مرتد در نطقی در ۱۶ ژانویه سال مطرح نمود که "شوروی ۶۳ سال است که در حال ساختن سوسیالیسم بوده، از زمان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷." (۲) او بدین ترتیب ما هیت امپریالیستی شوروی کنونی را نفی می نماید. آنچه مسلم است اینکه امروز این موضع به موضع رسمی حزب تبدیل نگشته است، اما بسیار محتمل است که رویزونیستی چینی بطرز آشکار به اتخاذ چنین موضعی برسند. البته این امر عجیبی نیست زیرا سه جانی های خیانتکار همان راهی را طی میکنند که خروش و برژنف خا شن طی کردند. رویزونیسم دارای مضمون طبقاتی بیگانه است. رویزونیسم سه جانی و رویزونیسم خروشی در جوهر اصلی و طبقاتی خود هیچگونه تضاد یا یکدیگر ندارند. هر دو به یک راه منتهی میشوند: **را سرما به داری.** بنا بر این امر عجیبی نیست که رویزونیستی چینی به مضامین اساسی مبارزه در رویزونیستی سالهای ۶۰ حمله کنند و تز سوسیال امپریالیسم را مورد نفی قرار دهند. امروز رویزونیستی برژنفی و جزب توده خا شن، سیاست خارجی را از سیاست داخلی جدا کرده و مطرح میکنند که "سیاست داخلی چین سوسیالیستی" است و حال آنکه "سیاست خارجی آن ضد انقلابی" است! و از جکا معلوم که رویزونیستی چینی همین تضاد انقلابی را بطور آشکار و رسمی در مورد سوسیال امپریالیسم شوروی مطرح نمازند؟

نه، این تقلب وقیحانه در ما رکسیسم است.

←

(۳) - منبع این نقل قولها از ارگان "کارگر انقلابی" شماره ۵۷، ۳۰۰ تا ۱۹۸۰ می باشد.

خیانتی رویزونیستی لطفاً خود را وارد نموده است. آنان تمام دستاوردهای را که نتیجه اعمال مئی مارکسیستی لنینیستی رفیق ما شویده موردتهاجمونفی قرار داده و بطرز همه جا بنده دشمنی خود را با سوسیالیسم نشان داده اند: نفی مبارزه طبقاتی پرولتاریا تحت دیکتاتور پرولتاریا، نفی امکان بازگشت بورژوازی به قدرت سیاسی و در نتیجه خلع سلاح نمودن طبقه کارگر، نفی انقلاب فرهنگسوی پرولتاریا بی علیه مناسبات اجتماعی کهن، نفی کمون کشاورزی و تانیدما لکیت خصوصی، نفی و حمله به کمیته های انقلابی درواحد های تولیدی و تانید بر تقویت مدیریت انفرادی تکنیسین ها و متخصصین، نفی مبارزه علیه انگیزه و محرکه مادی و تانید بر مشوقه های بورژوازی، حمله و ظرد حاکمین مئی پرولتاری و بازگرداندن هم رویزونیستی های خیانتکار در رأس امور حزبی و دولتی، حمله رویزونیستی خا شن به رفیق ما ثووا غده جنبش از رهروان راه سرما به داری همچون لیونتا لوجی خا شن، حمایت از مذاهب فعلیستهای مذهبی و سرما به داران قدیمی، نفی و حمله به منازات کبیر ضد رویزونیستی سالهای ۶۰ حزب کمونیست چین علیه رویزونیسم تیتوتی و خروش جفسی، زمینده چینی جهت نفی ما هیت سوسیال امپریالیستی شوروی و هزاران خیانت دیگر.

اینها نمونه های از اقدامات ارتجاعی باندتنگ سیانوپینگ ویا در حقیقت نمونه های از تیلورات مئی بورژوازی نوین در چین می باشد. نمونه های که آشکارا ما هیت متفادمنشی انقلابی رفیق ما ثوومشی ارتجاعی کنونی را ستماش می گذارد (۲).

حیست در مورد آخرین خیانت رویزونیستی قدری مکت کنیم. میدانیم که چین سوسیالیستی تحت رهبری رفیق ما ثو، یوگسلاوی را بدرستی یک کشور سرما به داری ارزیابی کرده و حزب و رهبران یعنی تیتوتی خا شن را رویزونیست ارزیابی می نمود. اما باندتنگ - هوایین دستاورد حزب کمونیست چین را لکد مال کرده و اعلام داشت که یوگسلاوی کشور "سوسیالیستی"، و حزب آن "کمونیستی" و رهبران "مارکسیست لنینیست کبیر" بشما رمی آید. بدینال این

(۲) - بروضاح است که تا کبیر مئی انقلابی ما ثویمنای نفی انحرافات راستراوانسه چین کمونیست و رفیق ما ثو می باشد.

در شماره قبل راجع به خط مئی اقتصادی رویزونیستیهای سه جانی در چین اشاره کردیم و نشان دادیم که رویزونیستی چگونه بر اساس مصوبات "اعلامیه مجلس ملی" در تعمیم خط مئی خا شن به خود بجلورفته اند. در ادا به بحث قسمل با یدگفت این واقعیتی است که رویزونیستی در چین سوسیالیسم و دیکتاتور پرولتاریا را از بین برده و سرما به داری را مستقراً خسته نمود. زانوزیا تک رویزونیست گفت: "هر آنچه که تولید را ترمز میکند باید از بین برود." معنای دیگر این گفته جز این نمی توانست باشد که هر آنچه تولید سرما به داری را ترمز کند باید از بین برود: بورژوازی نوین در راه تحقق این هدف با تمام قوا کوشیدند. آنان تولید سوسیالیستی را تخریب کرده و اقتصاد کشور را بسرا سرما به داری سوق دادند و راه را بر ظهور مجموعه عوارض ناشی از نظام کنگدیده سرما به داری هموار نمودند. بنحوی که سیاست اقتصادی متکی بر "بازده بیشتر" و "سود افزونتر" نمی توانست به بحران نیانجامد: در سال ۱۹۷۹ کسری بودجه چین به ۱۱/۵ میلیون دلار رسیده، تورم به ۶ درصد بالغ شده، بدهی خارجی به ۱۴ میلیارد فرانک افزایش یافته و رشد تولیدات از ۸/۵ درصد به ۵/۵ درصد تنزل پیدا کرده است. (۱) در چین تخریب اقتصاد سوسیالیستی همراه سودساکشودن درهای کشور بر روی امپریالیستهای جهانخواه، یعنی ان نمونه حجم بدلات چین و آمریکا در سال جاری به ۴ میلیارد دلار خواهد رسید. حال آنکه در دو سال پیش حجم بدلات به بیش از ۱ میلیارد دلار رسیده بود. در حال حاضر از میان کشورهای رویزونیستی، چین بزرگترین شریک بازرگانی امپریالیسم آمریکا می باشد. علاوه بر ادوات اصلی چین به آمریکا نفت خام است که در سال گذشته چین ۷۱ میلیون دلار از این بابت در ادماشته است. ولی جالب آنجاست که در شرایط حاضر حجم ادوات آمریکا به چین ۴ برابر حجم ادوات چین به آمریکا میباشد. بورژوازی جهانی میکوشد تا چنین وانمود سازد که بحران اقتصادی چین ناشی از اقتصاد سوسیالیستی میباشد. حال آنکه این دروغ شیانده ای بیش نیست. این بحران نتیجه مستقیم حاکمیت بورژوازی نوین میباشد. ما میبایم پرسیم چرا در زمان استالین در شوروی و در زمان ما ثو در چین ما با چنین بحرانها شعی مواجه نبودیم؟ پاسخ روشن است زیرا تولید سوسیالیستی فارغ از بحران میباشد، زیرا سوسیالیسم بهیما نیست.

ضربات رویزونیستی چینی به اینجا محدود نمیشود. در تمام عرصه های سیاست داخلی

(۱) - ارقام از: آفریقای جوان ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (آگسیرس) ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰ می باشد.

## رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



# پیکار

## پرچم سرخ انقلاب اکتبر بر فراز تاریخ درا هتراز است



کارل مارکس نوشت مرگ سرما به - داری به همان اندازه حتمی است که پیروزی سوسیالیسم امرنا گزیری است و لنین اقامه کرد امپریالیسم آستان انقلاب پرولتاریائی است. ۶۳ سال پیش پرولتاریای روس گفته ما رکنس و لنین را تحقق بخشید: مبارزه طبقاتی پرولتاریای روس تحت رهبری حزب بلشویک و لنین کبیره انقلاب سرخ اکتبر انجامید. با این انقلاب تئوروی سوسیالیسم علمی به بنی پیرووی

شوروی سوسیالیستی را به پای یگا ها انقلاب جهان نی و پشتیبا نی مستحکم جنبش های آزاد دیکش تبدیل نمود، انقلاب اکتبر دیکتا توری ارتجاعی بورژوازی را سرنگون کرد و دیکتاتوری پرولتاریا این عالیترین دمکراسی توده ای را برقرار نمود، انقلاب اکتبر کاخ سرما به داران، زمین داران، فرماندهان، کشیشان و تمامی پاسداران نظام مکه را منهدم ساخت وستم و استثمار انسان از انسان را لغو نمود، انقلاب اکتبر اقتصاد سوسیالیستی را در شهروروستا برپا نمود فرهنگ سوسیالیستی را به میان توده ها برد و زندگی نوین و بدون اسارت را برای زحمتکاران به ارمغان آورد، انقلاب اکتبر ما رکیسیم - لنینیم را تکامل داد، نهضت کارگری و کمونیستی بین المللی را تعمیق بخشید و گسترده ساخت، فوران جنبش های آزاد دیکش را در عرصه گیتی با عت گردید، بر اردوگاه امپریالیسم محض و گنبدیده ضربه ای کاری وارد ساخت و اردوگاه جهانی سوسیالیسم را بنا نهاد. آری انقلاب کبیرا کتبر تحت رهبری لنین کبیر و استالین کبیر را هر هائی قطعی، راه کمونیسم را به زحمتکاران سراسر جهان نشان داد.

در سرزمین شوراها پرچم سرخ سوسیالیسم ۳۵ سال در اهتراز بود، اما رویزیونیستها، این خا شنین به سوسیالیسم، این نما بندگان بورژوازی نوین، دیکتا توری پرولتاریا را سرنگون ساختند و دیکتا توری بورژوازی را مستقر نمودند. آنچه مسلم است اینکه این شکست شکستی محتوم برای پرولتاریا نخواهد بود. اگر پرچم اکتبر در شوروی فرو افتاد، اما دوباره پرولتاریا قیام خواهد کرد، زیرا ما رکیسیم لنینیم زنده است، زیرا پرچم سرخ انقلاب اکتبر بر فراز تاریخ در اهتراز است.

ما دی واقعی و زنده تبدیل گشت وجهان را یک کام عظیم به جلوسوق داد.

غرض توپیهی انقلاب اکتبر جهان را به لزه در آورد. این انقلاب مرگ نظام مکه و سر - آغاز دوران نوینی از تاریخ مبارزه طبقاتی را در جهان اعلام داشت و خود سر آغاز دوران گذار از سرما به داری به سوسیالیسم بود. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای اولین بار در تاریخ بشریت نظام مستمرا نه سرما به داری را واژگون نمود و دیکتا توری انقلابی پرولتاریا را برقرار ساخت. این انقلاب نقطه عطفی در تاریخ مبارزه طبقاتی بود.

انقلاب اکتبر خط بطلانی بود بر تئوریا ت ارتجاعی بورژوازی جهانی مبنی بر اینکه نظام سرما به داری نظامی جاودان و همیشگی است. این انقلاب نشان داد که تنها سوسیالیسم نیروی پیش رونده و تاریخ ساز است. انقلاب اکتبر ممت رسوایان بورژوازیست انترناسیونال دوم را با نمود، اپورتونیستهای که برای گرفتن امتیازاتی چند از بورژوازی به مگان نگهبان آن تبدیل شده به پرولتاریا و سوسیالیسم پشت کمر کرده انقلاب قهرآمیز پرولتتری و دیکتا توری پرولتاریا را سیری شده و نمود می ساختند. بعلاوه انقلاب اکتبر روشنگری ترو تکیسیم را نیز اعلام داشت و نشان داد که سوسیالیسم در یک کشوری نتواند پیروز شود.

انقلاب اکتبر فریغ درخشان سوسیالیسم را در قلب میلیونها کارگر و توده زحمتکش سراسر جهان نفوذ داد و جهانی، فارغ از مسموم و استثمار را در برابر برآنان نهاد.

ارمغان انقلاب پرولتاریائی اکتبر چه بود؟ انقلاب اکتبر پرچم سوسیالیسم پیروز مند را در سرزمین شوراها برافراشت و اتحاد جماهیر

### در چین ...

سیاست خارجی یک کشور با زبانی از سیاست داخلی همان کشور است. سیاست امپریالیستی شوروی در عرصه جهانی انعکاسی از ماهیت امپریالیستی طبقه و اقشار دیکتاتور در کشور می باشد و سیاست ارتجاعی چین در صحنه بین المللی بازتاب حاکمیت بورژوازی نوین در چین بشمار می آید. تزارتاجی "سه جهان" اساس سیاست بین المللی چین امروز میا شد. این تزارتاجی تژی جهانی بورژوازی چین است. اگر چین کمک خود به جنبشهای آزادیبخش را قطع نمود، اگر چین به پرولتاریای جهان درس صلح و آشتی طبقاتی میدهد و انقلاب اجتماعی را نفی میکند، اگر چین خلقهای تحت سلطه را به وحدت با ارتجاع حاکم بورژوازی - امپریالیستیهای "جهان دوم" دعوت میکند، اگر چین مبارزه ضد امپریالیستی را تحریف کرده و آنرا محدود به مبارزه ضد شوروی میکند و... همه این سیاستها متکی بر تزارتاجی "سه جهان" با استراتژی بین المللی بورژوازی چین و نیازهای آن میا شد.

رویزیونیستهای سه جهانی در راه ائتلاف و اتحاد با امپریالیستیهای "جهان دوم" و امپریالیسم آمریکا مبارزه ملی و طبقاتی را تخطئه کرده و تا آنجا پیش میروند که از بیمان تاج و زکا رانسه تا نود برابری بیمان تاج و زکا را نه و شوخما بیت مینمایند. در حقیقت بورژوازی چین در مقابل با حریف عمده کنونی خود یعنی سوسیالیسم امپریالیسم در پی تحقق اتحاد مستحکم با دیگر امپریالیستهای میا شد و میکوشد بخصوص در هنگام جنگ، بلوک امپریالیستی غرب را در کنار خود داشته باشد. البته بر اساس تغییر و تحولات در جهان سرما به داری و ایجاد تشابح قوای نوین در عرصه بین المللی این احتمال وجود دارد که چین در پی بلوک بندی جدیدی برآید و از جمله برای تامین منافع خود در کنار روسیالیسم امپریالیسم نیز قرار گیرد. به بیان دیگر تضاد چین با شوروی از مقوله تضاد دیکتاتور سوسیالیستی با شوروی بطور قطع با یسان پذیرفته و تضاد کنونی ما هیتی بورژوازی دارد. بر این اساس رابطه چین به ما به یک کشور بورژوازی با دیگر کشورهای سرما به داری در چهار چوب جهان امپریالیستی تغییر پذیر است آری در چین بورژوازی - رویزیونیست کنونی سوسیالیسم بنا بوده و بورژوازی پیروز گشته است، اما مطمئن باشیم این پیروزی پیروزی نهائی نخواهد بود. اگر قبول داریم که در چین مبارزه طبقاتی ترمده است پس پرولتاریا دوباره قیام خواهد کرد، زیرا،

"مبارزه طبقاتی نیروی محرکه مستقیم تاریخ است و بویژه مبارزه طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریا به مثابه نیرومندترین اهرم انقلاب اجتماعی بشمار می آید." (تا هم کارل مارکس و فردریک انگلس به اگوست بیل و بیلهم لیکنخت، و بیلهم براک و دیگران)



## وظایف عملی مادر قبال آوارگان جنگ!

آوارگان و رفقا مسئولین محلی رژیم با آنها هم‌درمیان آوارگان و هم‌درمیان مردم بومی شهر و از این طریق تبلیغ موافق سازمان در میان آنها

### ۲- کمیته امداد (کمک‌رسانی)

کار این کمیته اساساً کمک‌رسانی در زمینه‌های مختلف به آوارگان است. این کمیته در زمینه‌های مختلف، پزشکی، بهداشت، منقشه‌سکونت آوارگان، تهیه و توزیع آذوقه و خوارو-بار، اسکان دادن آوارگان، جمع‌آوری کمک‌های مالی، بهداشت و... برای آنها، فعالیت خواهد کرد. رفقای که هم‌راهِ خانواده‌های خود در بین آوارگان زندگی میکنند عموماً در این کمیته و کمیته‌های تشکیلات سازمان‌دهی میشوند.

### ۳- کمیته تشکیلات

این کمیته موظف به انجام وظایف زیر می‌باشد:

- کوشش در جهت ایجاد تشکیلات مناسب در میان آوارگان برای رفع وحل مشکلات خود در زمینه‌های نان، مسکن و نیز برای هدایت و رهبری مبارزات آنان.
- ایجاد دسته‌های کمونیستی در میان آوارگان (از میان افراد مستعد و فعال و هواداران) و از این طریق هدایت و رهبری امور آوارگان.
- سازمان‌دهی آوارگان حول اصلی‌ترین خواسته‌های فوری آنان.
- سازمان‌دهی اعتراضات و مبارزات آنان در رابطه با جنگ، را دیکار لیزه کردن آن و ارتقاء مبارزات آنها از جهت خط "جنگ" سازمان.
- ایجاد دبیران و دبیران مبارزات آوارگان و مبارزات مردم بومی شهر.
- همکاری با نیروهای سیاسی دیگر.

توجه به وظایف کمیته‌های مختلف نشان می‌دهد که ارتباط لاینفکی بین کمیته‌های مختلف وجود دارد و با بستی این کمیته‌ها هم‌هنگ با هم بعنوان تشکیلاتی یکپارچه به سازمان‌دهی مبارزات آوارگان و ایجاد دبیران نزدیک با آنها بپردازند به همین جهت ایجاد یک کمیته هماهنگی که در مجموع هدایت و رهبری کمیته‌ها را عهده‌دار باشد و اینها هم‌هنگی ایجاد نماید ضروری است. استخوانبندی تشکیلاتی کمیته‌ها:

الف- کمیته‌های سیاسی متشکل از رفقای باسند باشد که در عین توانائی رهبری و هدایت رفقای

بقیه در صفحه ۱۴

گروه تحقیق است که با بستی اطلاعات لازم راجع به آوارگان هر شهر را به شرح زیر گردآوری نماید

الف- وضع عمومی آوارگان - تعداد، ترکیب و درصد آنان (زن، مرد، بچه، پسر و جوان) موقعیت اجتماعی خانواده (مرفه، متوسط، فقیر)، شغل افراد کارکن خانواده، شهر محل سکونت قبلی آنها که از آن کوچ کرده‌اند. محل زندگی آوارگان (اردوگاه، منزل اقوام، مساجد و...) کیفیت و ظرفیت نیازهای عمومی و کمبودهای اصلی آنان

ب- عکس‌العمل مردم شهری که آوارگان به آنها آمده‌اند (استقبال و همبستگی یا ناراضا بستی آنها) و دلایل آن.

ج- عکس‌العمل ارگانها و مسئولین محلی رژیم نسبت به آوارگان؟ برخورد آنها در رابطه با اسکان آوارگان، تهیه مکانات و تسهیلات رفاهی چگونه بوده است؟ در رابطه با آوارگان چه مسائلی را به مردم بومی شهر توصیه میکند؟...

د- چگونگی استقرار آوارگان در اردوگاه و چگونگی تأمین نیازهای آنها؟ آیا آوارگان محل زندگی خود را اشغال کرده‌اند یا مقامات محلی به آنها داده‌اند؟ از نظر ما محتاج عمومی چه فشارهایی به آنها می‌آید؟ از لحاظ نامناسب بودن یا نبودن مسکن در چه وضعیتی هستند؟

ه- روابط میان آوارگان چگونه است؟ آیا با هم همبستگی دارند؟

و- آیا شور یا کمیته‌ای برای انجام امور و مشکلات خود انتخاب کرده‌اند؟

ز- چگونگی نفوذ ما؟ کارهایی که باید انجام داد؟ چه تمایسهایی با آوارگان دارد؟ چگونه میتوان در میان آنها نفوذ کرد؟ کمبودهای اساسی و ضعف‌های موجود چیست و چه میتوان کرد؟

ح- شمارهای مناسب برای بسیج آوارگان و ارتقاء مبارزات آنان و برآورده نمودن نیازها - هایشان.

وظایف عمومی کمیته‌های تبلیغاتی عبارت است از:

- تبلیغ موافق سازمان در میان آوارگان
- از راه‌های گوناگون از قبیل: بحثهای جمعی ترتیب دادن نمایشگاه عکس از گذشته‌شدگان آوارگان، اسرا، خرابیهای جنگ، پخش اعلامیه و تراکت، نمایش تئاتر در رابطه با جنگ ارتجاعی و تباحث و آثار فداخیزی آن، کسب اخبار دست-اول جنگ و پخش آن در بین آوارگان، نمایش فیلمهای مناسب در رابطه با جنگ و...

- تهیه اخبار و گزارشات از شرایط آوارگان مشکلات آنها، رفتار مسئولین محلی رژیم با آنها
- تهیه عکس، اسلاید و فیلم افشاگرانه
- جمع‌بندی از وضعیت و شرایط آوارگان
- افشای رژیم در رابطه با مشکلات و وضعیت

بقیه از صفحه ۱

واضح است که واقعیت فوق (کوچ کردن توده‌های مناطق جنگ‌زده) بیان صریح حقایق موافق سازمان است. چرا که علیرغم میل رژیم و علیرغم تبلیغات کرکننده آنها که سعی میکنند وانمود سازند، مردم این مناطق به مقاومت سر-سختانه در مقابل عراق مشغولند... توده‌ها که در تجربه عینی خود جزو پراش و گشتا ریبوده‌اند از این جنگ چیزی ندیده‌اند، شهرها را ترک کرده و با زبان بی‌زبانی به رژیم اعلام کردند که این جنگ به نفع ما نیست و از آن نیز از بیم در این شرایط حساس و با توجه به واقعیت فوق، وظایف پس‌خطی بر عهده کمونیستها (و بخصوص سازمان ما) قرار می‌گیرد، ما که این جنگ را ارتجاعی میدانیم و محکوم میکنیم ما که میکوشیم خلق نباید در این جنگ شرکت کند، باید دفاعاً لانه این خطر را

بمیان توده‌ها ببریم در تمام جا‌هایی که حضور دارند: در جبهه جنگ (در لباس سربازی)، در شهر-های جنگ‌زده، در کارخانه‌ها، مدارس و... در اینجا بخصوص در میان آوارگان جنگی این خط را تبلیغ کنیم توده‌ها را از آموزش سازمان داده و بدینوسیله مبارزه توده‌ای را ارتقاء دهیم.

آری وظیفه اساسی اعفاء و هواداران سازمان در این شرایط بردن این ایده‌ها به درون توده‌ها و آموزش و متشکل کردن آنان است. ما در این نوشته سعی میکنیم نکات را در مورد سازمان‌دهی تبلیغ و ترویج در میان آوارگان جنگی توضیح دهیم

در توضیح ویژگی کار تبلیغی و ترویجی در میان این بخش از توده‌ها باید بگوئیم که زمینه کاملاً مناسبی در میان آنان فراهم شده است و این زمینه بدلیل اینست که توده‌ها در تجربه عینی خود نسبت به نبودن جنگ ارتجاعی را لمس کرده و درک کرده‌اند که این جنگ برای آنها جز گرسنگی و آوارگی چیزی ندارد. با توجه به این مسئله، ما معتقدیم علیرغم اینکه کار تشکیلاتی ما در مناطق مختلف همچون گذشته (البته با مضمون عمده تبلیغی و ترویجی روی سیاست، عدم شرکت در جنگ) ادامه خواهد یافت، ولی لازم است بخش مهمی از نیروها بمان را به امور آوارگان و کار در میان آنان اختصاص دهیم.

سازمان‌دهی کار در میان آوارگان نیازمند تشکیل سه کمیته است که هر کدام از این کمیته‌ها رفقای فعال را در بخش خود سازمان‌دهی خواهد کرد. این سه کمیته عبارتند از: سیاسی و تبلیغاتی، امداد و تشکیلاتی. حال به توضیح وظایف این کمیته‌ها بپردازیم و استخوانبندی تشکیلاتی این بخش را روشن میکنیم.

### ۱- کمیته سیاسی و تبلیغاتی

وظیفه این کمیته در درجه اول تشکیل یک

بهره‌برداری عوام‌فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ  
غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!



**ادامه از شماره قبل**  
**مادر شماره قبل**  
**گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگران اتحادی نمودیم که مرکزیت گروه برای جمع بندی و تعیین سیاست آینده، کنگره را فرامی خواند. این کنگره در سه زمینه زیر به بحث میپردازد:**



گروه را در جهت چنین وحدتی تعیین نمودند. از آنجا که حرکت گروه گرا با نه ما در جهت حفظ شکل و حرکت مستقل و در یک کلام مصلحت - گرائی تشکیلاتی مورد نقد و بی قرار گرفته بودو حرکت همه نیروها در راستای تدارک ایجاد حزب مشخص شده بود، کنگره صریحا اعلام داشت که دید - گاه ما در حرکت وحدت طلبانه با رفقای بیکار - نه تقویت صرف یک تشکیلات، بلکه تقویت اصولی - ترین جریان ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی است. (به نظر ما موضعگیری انقلابی رفقا در جهت ایران و عراق نشانه دیگری از اصولیت دستان و دیدشان و وضوح انتخاب ما بوده است)

بدین ترتیب کنگره، کمیسیون مشخصی را برای وحدت انتخاب نمود. پس از اتمام کنگره گروه و رفقای بیکار پس از روشن کردن موارد اختلافات جزئی و تعیین جایگاه آنان و سپس از وحدت نظر بر روی اساسنامه سازمان، در محیطی آکنده از روحیه تفاهما و اعتماد رفیقانه، امر وحدت تشکیلاتی را به سرانجام رساندند.

**مختصری از ابعاد فعالیت گروه**

به رغم انتقادات وارد به مجموعه حرکت گذشته، با پدید آمدن وردهای فعالیت خستگی - ناپذیر رفقای گروه ما مبرور. ابعاد این فعالیت نشان میدهد که چگونه خود را کار می، چنین پتانسیل مبارزاتی ارزشمندی را به بند کشیده است. حیطه های فعالیت گروه در کارخانجات، جنبش بیکاری، جنبش دانش آموزی، جنبش دهقانی و مناطق توده ای - کارگری بوده است. دامنه فعالیت گروه: گیلان، آذربایجان، قزوین، ساوجبلاغ، گرج و تهران را در بر می گرفته است. - در تهران علاوه بر شرکت فعال در رهبری جنبش های اعتراضی بیکاری، معادریه خانه، دهکده - داران و کار در مطبات و کارخانجات، رفقای گروه نقش فعالی در رهبری حرکت های عظیم اعتراضی چندکارخانه داشته اند. تجربیات ارزشمندی در این رابطه بدست آمده که گروه نتوانست جنبش آرا دهد.

- رفقای گروه در رهبری یکی از جنبش های معروف بیکاری ایران نقش تعیین کننده ای داشتند. این جنبش دستان وردهای مهمی در زمینه پیوند کارگران شاغل و بیکار روپوینداداشجو - بان دانش آموزان با جنبش کارگری داشته است. تجربیات حاصله در این مورد، چه در رابطه با رهبری جنبش توده ای، چه در رابطه با فعالیتهای سندیکائی و چه در رابطه با خود جنبش کارگران بیکار، بسیار گرانبها بوده است لیکن در این مورد هم ما نتوانستیم این تجربیات را به جنبش انتقال دهیم.

در جهت سرنگونی آن میباشد.

۴ - الف: اعتقاد به اینکه ساخت اقتصادی کنونی جامعه ما سرمایه داری وابسته است

ب: انقلاب ایران در این مرحله دموکراتیک و ضد امپریالیستی بماند با فزایل انقلاب سوسیالیستی است.

ج: پرولتاریا نیروی عمده و اساسی انقلاب بوده و پرولتاریا بعنوان یک طبقه ارتجاعی است.

۵ - در مئی آوانتوریستی چریکی، به ما با سه پیشنی که ضرورت حزب و همزبونی پرولتاریا را نفی میکند

۲ - در زمینه برخورد به گذشته، کنگره اکنون میم (بی برنامه گی و حرکت خود بخودی) را انحراف گروه تشخیص داد. در عرصه وظایف تئوریک، گروه دچار استروی بوده است و بخصوص در مبارزه ایدئولوژیک به مثابه عرصه مهمی از مبارزه طبقاتی دچار کمکاری بوده است. کنگره حرکت مستقل گذشته را مورد نقد قرار داد و آنرا فاقد حقانیت ایدئولوژیک سیاسی ارزیابی نمود. رفقای کنگره با به زیر انتقاد کشیدن مضمون خودکارانه فعالیت گذشته، وحدت و مبارزه در جهت وحدت را وظیفه محوری گروه تعیین نمودند.

۳ - در زمینه چشم انداز آینده، گروه به بررسی وحدت نظر خود با نیروهای سیاسی پرداخت. از آنجا که ما در ارتباطات پراکنده تا حدی در جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی سازمان بیکار بودیم، و همچنین با اطلاع از نتایج کنگره رفقا، در باب فتنه کنگره با برخورد به انحرافات راستروانه گذشته سازمان، به دستاوردهای نویسی رسیده است، کنگره ما متفق القول دستان وردهای کنگره رفقا در برخورد به انحرافات گذشته، مواضع سیاسی و وظایف آینده را مثبت و درخشان ارزیابی نمود. انطباق بسیار نزدیک مواضع ما و دستان وردهای سازمان بیکار از یک طرف و مبارزه اصولی این رفقا در جهت برخورد به گذشته و ارتقا جنبش کمونیستی از طرف دیگر، سبب گردید که کنگره، وحدت سریع و بلا درنگ را با سازمان بیکار در دستور کار قرار دهد. همگی رفقا تقویت این جریان ایدئولوژیک را وظیفه نیروهای راستین کمونیستی دانسته و حرکت آینده

۱ - کنگره با بررسی موقعیت عینی جنبش کمونیستی، شش و پراکندگی را عارضه دوران پیش از حزب تلقی نمود و مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگران و طبقه مبرم کمونیستها دانست. در این راستا ست که وحدت هر چه بیشتر مضمون کمونیستها گام موثری در پاشخوگی بسط ضروریات دوران تدارک حزب خواهد بود. از همین رو نیروهای بی که در اصول برنامه ای (مبانیسی وحدت) وحدت نظر دارند، با بدفعی لانه در جهت وحدت تشکیلاتی خویش گام بردارند. در غیر این صورت مبارزه ایدئولوژیک حول اصول برنامه - ای و بخصوص بر علیه تزلزلات روپویونیستی پیش شرط ضروری برای تحقق وحدت مضمون کمونیستها با بدتلقی گردد. و به عنوان وظیفه - ای محوری در دستور کار قرار گیرد.

بر این اساس کنگره معیار وحدت زیر را بر پایه مرز بندی با دودیدگاه تعیین نمود. نخست مرز بندی با دیدگاه های اشتقاقی که صرفا وحدت تشکیلاتی را مورد نظر قرار میدهد و مرز بندی با دیدگاه های سکتاریستی و وحدت مطلق که سطح رشد جنبش را نادیده میگیرد و بنا بر این معیارها مبتنی بر دستان وردهای جنبش کمونیستی و مرز - بندی با انحرافات روپویونیستی و تروتسکیستی مشخص گردید:

۱ - مرز بندی فاطح علیه روپویونیسم و دیگر انحرافات ایدئولوژیک با اعتقاد به اینکه:

الف: غلبه روپویونیسم خروشجویی بر حزب و دولت شوروی، در سیاست به سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا و حاکمیت دیکتاتوری بورژوازی و در اقتصاد دستان سرمایه داری منجر گردید، لذا کشور شوروی سوسیالیستی به روسیه سوسیالیست امپریالیستی تبدیل گشته است.

ب: تز "سه جهان" ارتجاعی و روپویونیستی است با اعتقاد به اینکه روپویونیسم بر حزب و دولت چین غلبه یافته است و بواسطه آن حاکمیت بورژوازی برجین چیره گشته است.

ج: تروتسکیسم خطری است جدی برای جنبش کمونیستی ایران

۲ - اعتقاد به ایجاد حزب طبقه کارگر به عنوان محوری ترین و مهم ترین وظیفه کمونیستها

۳ - اعتقاد به اینکه رژیم جمهوری اسلامی، ارتجاعی بوده و مبارزات انقلابی کمونیستها

**پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی**



صغوف خویش از فرم مسموتزلزلات رویزونیستی، برای مبارزه‌ی ای‌مان بر علیه رویزونیسم جهانی، برای برافراشتن برج مظهر نمون ما رکیسم - لتینیم برای تحقق هژمونی پرولتاریا بر جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی توده‌ها، برای تقویت و استحکام نترنا سیونال - ایسم پرولتری . . . . یکدنیا کار لازم است .

پس، دست بکار شویم رفقا! وظایف آینده و چشم‌انداز نوید بخش آن، مبارزه‌ی بی‌آمان و خستگی‌ناپذیر را از ما مطالبید، بگوئیم تا بستگی رسالتی را که تار ریخ بردوش ما گذارده است داشته باشیم.

بگوئیم حرکات هدفمند خویش را در راستای ایجا دحزبی رزمنده که داده‌ها هدیه بلشویسم با شما زمان دهیم بگوئیم همیشه مصالح دراز - مدت و آرمانهای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر چیز قرار دهیم.

پیش‌سوی مبارزه‌ایدئولوژیکی پیگیری هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی! پیش‌سوی وحدت صفوف کمونیست‌ها! پیش‌سوی پاسخگویی به جنبش‌اعلان با بنده طبقه‌کارگر توده‌ها! پیش‌سوی ایجا دحزب کمونیست ایران! "انقلابیون آزادی طبقه‌کارگر"

۵۹/۷/۱۰

### بقیه از صفحه ۱۲ وظایف...

زیرکمیته‌های قابلیت‌های سیاسی و تبلیغی بوده و با ذوق و خلاق باشند.

ب- کمیته‌ها مدام متشکل از رفقای خواهد بود که قدرت ارتباط گیری توده‌ای و توانائی رهبری سازمان‌دهی رفقای زیرکمیته‌ها را داشته باشند. در این کمیته‌ها می‌توانائی‌های مشخصی در زمینه‌های پزشکی و... دارند، سازمان‌دهی می‌گردند.

ج- کمیته‌های تشکیلات - ویژگی این کمیته‌ها قدرت سازمان‌دهی توده‌ای، هدایت تشکیلاتی و قدرت رهبری مبارزات توده‌ای است.

د- کمیته‌ها هنگامی متشکل از ارشدهای کمیته - ها می‌شود که در صورت لزوم با بستگی یکی از رفقای با تجربه تشکیلاتی در هدایت جمع شرکت نماید. این کمیته‌ها بطوریکه گفتیم نقش رهبری و هدایت عمومی کمیته‌ها را داراست و خطوط اساسی فعالیت کمیته‌ها با بدست توسط آن داده‌شود.

چند نکته مهم:

۱- در تماس گیری با آوارگان و سازمان‌دهی آنان با بستگی استخوانبندی کارما را سازمان‌دهی توده‌های زحمتکش و کارگردار در میان آوارگان (در عین جد نکردن کامل صفوف آنان از طبقه‌آوارگان) تشکیل میدهد. بدیهی است شرط مهم رادیکالیزه کردن مبارزات آنان نیز همین است.

۲- از کلیه رفقا خواسته‌شود که در اجرای طرح فوق، برخوردی خلاق و منطبق با شرایط منطقه نموده و در ارتقاء آن بکوشند و در همین رابطه تجارب حاصله را برای ما ارسال دارند.

پیروزی با شما!

آنکه مبتنی بر قانونمندی و ضروریات جنبش نبود، نتوانست در جهت ارتقاء جنبش کمونیستی آنگونه که باید موثر باشد.

رفقا، حرکت خودبخودی غالب بر گروه‌ها و عدم حرکت از ضروریات کل جنبش کمونیستی، تنها به شکل ما محدود نبوده است. امروز اگر چه درک وحدت صفوف کمونیست‌ها و حرکت بسوی وحدت عمیق ترکشده است و تلاش‌های موثری در این جهت صورت پذیرفته است اما همچنان جنبش از حرکتی نقشه‌مند در جهت ضروریات دوران تدارک ایجا د حزب محروم می‌باشد. اینک دیگر زمان آن نیست که با بیان ضرورت اکتفا تنها شیم با دکام عملی برداشت.

اولا نیروهای که در اصول برنا مه‌ای خود مرزبندی اساسی ندارند باید فعلا لانه در جهت وحدت تشکیلاتی خویش اقدام نمایند. هرگونه تعلل بهر بیانه و توجیهی محکوم به شکست خواهد بود.

ثانیا همه نیروهای کمونیستی با بدیبا تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه‌ایدئولوژیکی فعلی را بطور هدفمند حول اصول برنا مه‌ای سازمان دهند. مبارزه‌ایدئولوژیکی را با بدیبا پیش از پیش از حالت خودبخودی خارج کرد و به شکل نقشه‌مند و متمرکز انجام داد.

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد دیم ایجا دحزب طبقه‌کارگر برنا مه به فوری تربی و محوری ترین وظیفه کمونیست‌ها بسوی وحدت گام برداشته ایم. از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای بیکار حلقه‌ای از وحدت صفوف کمونیست‌ها و گامی کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجا دحزب می‌باشد.

## رفقا!

در مقابل جنبش کمونیستی ایران وظایف سنگینی و تاریخی قرار دارند. امروز اگر چه غلبه رویزونیسم بر نهضت کارگری جهان موقوف جنبش کمونیستی جهان را دچار تشتت و پراکندگی گردانیده است، امروز اگر چه با بیگانه‌های نیرومند رویزونیسم و کارگران مستقیم و غیر مستقیمشان هر جنبش نوپای کمونیستی را مورد تهاجم‌ایدئولوژیکی قرار می‌دهند، امروز اگر چه جنبش کمونیستی جوان ما با بدوش کشیدن عوارض انحرافات گذشته‌ها از زلطله رویزونیسم، مراحل اولیه خویش را میگذرانند. اما ما بحران گفونی جهان امپریالیستی رشد و گسترش اوضاع انقلابی را نوید می‌دهد و در این میان، حدت‌یابی توده‌های جامعه و رونق رویزونیسم زره طبقه‌ای، موقعیت خاص و بی‌سر - جسته‌ای به کشور ما و جنبش توده‌ای آن و بسوی پرولتاریای ایران میدهد. موقعیت و جایگاه - که چشم‌انداز رخ‌با شکوهی را نوید میدهد، چشم‌اندازی که مبارزه‌ی بی‌آمان را از ما مطالبید.

آری، برای غلبه بر ضعفها و نارسائیهای خویش برای متحد و متشکل گردانیدن پیشروان طبقه‌کارگر در حزبی نیرومند، برای پایبندی

رفقای گروه - بیسی دهفانی، مبارزه زمین و تشکیل شورای دهفانی شرکت فعال داشتند.

گروه در منطقه "سا و جیلان" علاوه بر فعالیت در میان کارگران، شکل دانش آموزان مبارزو بدنیال آن تشکیلات هوادار را سازمان داد. این رفقا در پیوند جنبش دانش آموزی با زحمت - کشان فعالیت گسترده و خستگی‌ناپذیری داشتند - در درشت و چند منطقه دیگر گیلان و همچنین تبریز، رفقای گروه پیوند گسترده‌ای با زحمتکشان ایجا د کرده بودند.

در مورد نشریات، علاوه بر برخی نشریات فابریک، گروه کارگری "صدای انقلاب" و نشریه دانش آموزی "صدای انقلاب" را منتشر می‌نمود.

## رفقا! رزمندگان کمونیست!

در شرایط حساس کنونی، جمع بندی عملکرد گذشته ما، برخورد به ضعفها و انحرافات ما، فاسد سلامت حرکت آینده ما است. جنبش کمونیستی راهی کوتاه بیموده است و راهی دراز در پیش دارد. گذشته را با بدتوشه آینده سازیم.

تشکل ما مبتنا به بخش کوچکی از یک جنبش کمونیستی ایران، حرکت گذشته خویش را در تشدید برآکنندگی جنبش، مورد انتقاد قرار می‌دهد. عدم حرکت فعال ما در مبارزه برای تقویت وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیست‌ها و تا کید بر حرکت مستقل، نه در خدمت پرولتاریا، بلکه در جهت خرده‌کاری و پراکندگی بوده است امروز مقایسه آنچه کرده ایم و آنچه می‌توانستیم انجام دهیم ما را بر آن میدارد تا روح عدم رضایت از خرده‌کاری را که با تمام موجودات حساس می‌کنیم با صدای رسا اعلام داریم.

اگر چه درک ضرورت وحدت و مبارزه با ظلم آن عمیق ترکشده است. اما بیان تجربه ما میتواند حد قابل برای آن نیروهای کسه علیرغم بناداشتن مرزبندی اساسی در جدائی خویش می‌کشند، موثر باشد.

آنچه در تحلیل نهایی، چنین انحرافی را در ما سبب گردید، عدم درک ما از وظایف تاریخی - مان بود. ما بجای آنکه بر اساس وظایف و مشکلات کل جنبش کمونیستی حرکت کنیم، مصالح و مشکلات تشکیلات خویش را مبنای حرکت قرار میدادیم. تصمیم‌ها در برخی موقعیتها در عرصه‌های محدود از پراکتیک، ما را به محدودنگری سوق میداد. و این دو وسیع وظایف سنگین کمونیست‌ها را نادیده می‌گرفتیم.

از آنجا که حرکت ما نتوانست بطور هدفمند در راستای پاسخگویی به اساسی ترین ضرورت جنبش باشد، از آنجا که نتوانستیم هر حرکت خویش را در جهت تدارک ایجا دحزب، آگاهانه مشخص نمائیم، و نیروهای خویش را در چهارچوب تنگ خرده‌کاری به بند کشیدیم. فعالیت رفقای ما علیرغم تمامی تلاش خستگی‌ناپذیرشان به سبب



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

و ما برین از داخل کشور و علیرغم پیشنها دوا مزار رفیق ما جهت کمک به آزادسازی ۹ نفر از اعضای سازمان مهادین که پس از عملیات آزادسازی بوسیله هواپیما، در زندان عراق، تحت شکنجه بودند و حتی امکان داشت به ایران تحویل داده شوند، کوچکترین کمکی به ما نکنند و به این بها نه که اگر از سوی من اقدامی صورت بگیرد، وضع آنها بدتر میشود! خود را کنار کشید و با سخنی به درخواستهای ما نداد!

آری، اینها تنها ما مسائلی بودند که مرز بندی ما را در زمینه های مختلف با آیت الله خمینی روشن میکرد و ما هنوز که قیلا اشاره کردیم هر چند که هنوز بدلیل حاکمیت بین و تفکر

که تا کنون نخواسته اند) آنرا بپذیرند، اسلام آرزو ما (و تا حد کمتری امروزاً بنیها) متاثر از فلسفه علمی و ما رکیسم که بدان علاقمندی و آفری نشان می دادیم بود. درک ما از تکامل و پیدایش انسان و از تکامل اجتماعی و دورانیهای تاریخی آن، مبارزه طبقاتی، نقش تاریخی توده ها و مقولات اجتماعی دیگر، همچون مقولات فلسفی و اقتصادی درکی که ملا لتقایی و ملغمه ای از اسلام و ما رکیسم بود و اینرا هر متفکر مونیستی، خواه ما رکیست و خواه مسلمان بسادگی درک می کرد. ولذا تصادفی نبود که هم ما و هم آیت الله خمینی در همان برخورد های اولیه متوجه اختلاف فاحشی که با یکدیگر داشتیم شدیم. مضافاً

همانطور که قیلا اشاره کردم پذیرش قهر انقلابی و اصل آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم و رژیم خائن و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود. در خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد و بورژوازی) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزند مزدورش محمد رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهارچوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد.

ما همواره روی این اصل که باید تمامی حقایق را با توده ها در میان گذاشت، تاکید می ورزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. به مکتب مادر هر کجا و حتی در زندان، زیر شکنجه و میدان تیراها زنگ کردن اعتقادات و مواضعمان ابائی نداشتیم.

التقایی و مذهبی بر ما، قالدیه مرزبندی اصولی و همه جانبه با آیت الله خمینی، مواضع و سیاستهای او نبودیم، معذرتاً اختلافات خود را با وی فراموش نکردیم و در برابر خود را او مطرح در خواستهایمان آنچنان دجا ر خوشبینی و خوشخیالی نشدیم.

پیکار: ملاقات شما با آیت الله خمینی چه موقع و توسط چه کسی صورت گرفت و چه مدت به درازا کشید؟

رفیق روحانی: ملاقات من با آیت الله خمینی در نیمه اول بهمن ماه سال ۵۰ صورت گرفت و هم آنطور که میدانم و رفیق تراب هم برای شما توضیح داده است، این اولین ملاقات و تماس ما با آیت الله نبود. قبل از من و از نیمه دوم سال ۴۹ به اینطرف رفیق تراب بعنوان نماینده سازمان ما با آیت الله ملاقات و در باره مسائل مختلف با ما مبرده به گفتگو پرداخته بود. ملاقات من با آیت الله نیز در چهارچوب همین تماسها و ملاقاتها و با هدف بحث و گفتگو در باره مسائلی مشخص و معین صورت گرفت. اینک گفتگویی است که توسط چه کسی صورت گرفت، این کار عموماً چه در مورد من و چه در مورد رفیق تراب، توسط آقای دعایی که در آن دوره از جمله مسائلی فعال ما در خارج از کشور بود

برای آنکه آیت الله بعنوان یک مونیست مذهبی متوجه التقاط فکری ما نیز شده بود. در زمینه مسائل سیاسی اختلاف میان ما و آیت الله خمینی با رزب بود. همانطور که قیلا اشاره کردم، پذیرش قهر انقلابی و اصل آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم و رژیم خائن و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود و خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد و بورژوازی) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزند مزدورش محمد رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهارچوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد. اگر شما به مضمون و محتوای سخنرانی ها و اعلامیه های آیت الله خمینی در آن دوره و حتی بعدها مراجعه کنید، ملاحظه میکنید که او در شدیدترین نطق و اعلامیه های خود هرگز از نصیحت کردن و اندرز دادن به شخص شاه و یا سران رژیمهای اسلامی چون عربستان سعودی، اردن، هاشمی، مغرب، تونس، پاکستان... کوتاهی نمیکند و از آنها میخواهد تا دست از ظلم و ستم نسبت به مردم کشورشان بردارند! علاوه بر این ما از یاد نبردیم که همین آیت الله خمینی در ملاقات خود با رفیق تراب حق شناس در آبان ماه ۴۹، علیرغم آنهمه توصیه است الله طالقانی

### ( قسمت هشتم )

پیکار: هما نظر که می دانید آیت الله خمینی در روز چهارم تیرماه جاری، بطی سخنرانی خود از ملاقات شما با وی ( البته بدون ذکر نام) در نجف و بعد از آقای دعایی ضمن سخنرانی اش به صراحت از این ملاقات در سال ۵۰ سخن گفت. از شما میخواهم تا دلایل و عواملی را که موجب این ملاقات گردیدند، توضیح دهید.

رفیق روحانی: بدنیال دستگیری و زندانی شدن تعداد بسیار زیادی از اعضای سازمان ما در مجاهدین در روز اول شهریورماه ۵۰ و روزها و ماههای پس از آن و در راستا نه تنها کمه آن در پیدادگاههای رژیم آریامهری و احتمالاً حتی قضیت محکومیت اعضا رهبری و کارها به اعدام، همزمان مجاهدان در داخل کشور طی نامه ای خواستار آن شدند که در این باره و سایر مسائل مربوط به جنبش انقلابی ایران و اوضاع جامعه با آیت الله خمینی، مذاکره شود و حتی امکان کوشش خود را پشتیبانی هر چند ضعیف اوشیت به مجاهدین و حمایت از آنها و جنبش انقلابی ای که در ایران بتازگی پا گرفته بود، جلب گردد و در صورت موافقت اعلامیه ای در همین زمینه از طرف آیت الله صادر شود و این در شرایطی بود که عناصر مختلف از روحانیت مترقی در داخل کشور، موضع حمایت آمیز از مجاهدین داشته و تنها آیت الله خمینی بود که تا آنروز کاملاً سکوت اختیار کرده بود.

من و همزمان دیگر که در آن هنگام در خارج از کشور بودیم، نظیر رفیق تراب حق شناس، علیرغم جفا بین و تفکر التقاطی و مذهبی مان که به حال و بینهی از آنجا ما را دجا ر خوشبینی نسبت به میزان پشتیبانی و حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین و با مواضع آنها مینمود، با توجه به اختلافات و مرزبندیهای مشخصی که با مواضع سیاسی و فکری آیت الله داشتیم و همچنین با تکیه تجربیات گذشته خودمان و مواضع و عملکردهای او در طول سالهای گذشته، از همان ابتدا چندان هم به نتایج ملاقات و مذاکره مان با آیت الله خمینی خوشبین نبودیم. از نظر ایدئولوژی، ظاهراً هم ما و هم آیت الله خمینی به مکتب اسلام معتقد بودیم اما هر یک با برداشت خاص خود از این مکتب برداشتی که مشخصاً از موقعیت و منافع طبقاتی هر یک از ما ناشی می شد. آنچه که آیت الله خمینی بدان اعتقاد داشت بی کم و کاست همان بینش و تفکر اسلامی به مفهوم واقعی خودش بود و از همین روهما و از اسلام در کلیت خود و در تمام ابعادش بطور دگم دفاع کرده و همچنان میکند. اما ما از اسلام برداشت خاص خودمان را داشتیم و برداشت ما ملهم از گرایش انقلابی ما و دفاع از منافع زحمتکشان نبود. آنچه را که ما از اسلام برداشت می کردیم، در واقع برداشتی التقاطی و دو الیستی بود که هر رنگ اسلام و مذهب را داشت و هر یک ما رکیسم و فلسفه علمی را.

ما هدف چه بخواند و چه نخواهد (و البته



طبقاً نی و حاکمیت سیستمی که وی در آن نقش فعالی دارد، ایجاب میکند که همواره با تالش انوار آگاهی به مبارزه بر خیزد و مانع از دست یابی مردم به واقعیات جا مع گردد. بهرحال من با پیروی از همان اصلی که در بالا اشاره کردم چه از طریق توضیح شفاهی و چه از طریق در اختیار گذاشتن جزوات آموزشی سازمان نظیر "راه انبیا" و "امام حسین" کوشیدم تا مواضع ایدئولوژیک و سیاسی سازمان مجاهدین را به تفصیل برای آیت الله خمینی روشن نمایم.

آیت الله خمینی روشن نماید.

دا نشکاه (اول اردیبهشت) و با کردستان معطوف شده است، به آن بی توجه بمانیم، نیا زتوده ها را مثلاً در مورد قطع سودویزه، بهیچ بگیریم، طبعا نمی توانیم رهبری مبارزه طبقاتی توده ها را در دست بگیریم، ما با بدیهه مسا ئل توده ها پاسخ بگوئیم و همه نیا زها یشان را مورد بررسی قرار دهیم، تا آنکه، همه جا ما را در کنار خود ببینند. در یک کلام، تبلیغات با یستی شما می جو انبیا ساسی مبارزه طبقاتی را منعکس سازد.

در عین حال که ما با یستی همواره نشان دهیم که اساسی ترین مسئله توده ها چیست و تبلیغ خود را بر روی آن متمرکز کنیم، توجه نکردن به برخی مسائل توده ها و یا توجه بموقع نکردن جزئی توجهی به امر مبارزه طبقاتی معنای دیگری ندارد. چیزی که تا دیروز مسئله اساسی تبلیغ بود چه با فردا دیگر نیا شد. فرض کنیم در روز اول مهر، مسئله اساسی تبلیغات مربوط به مبارزات دانش آموزی است. اما با حمله عراق، نیازهای اساسی تری برای توده ها مطرح میشود: در قبال جنگ چه باید کرد؟ آنها بدنیال این هستند که پاسخ درست را بشنوند و وظیفه کمونیستهاست که به این مسئله اساسی توده ها پاسخ گویند. در چنین شرایطی مسئله اساسی مورد تبلیغ دیگر تغییر میکند. اگر چه با یستی مسائل دیگر نیز مورد تبلیغ واقع شود، اما نیا یادی این مسائل، مسئله اصلی را تحت الشعاع قرار دهد.

در اینجا با یستی پیچیدگی خاصی را در مد نظر قرار داد. فرض کنیم ما مشغول تبلیغات انتخاباتی هستیم و در این ضمن رژیم، ترکمن صحرا را به خون میکشد، در اینجا مسئله درست اینست که بهای هریک را دریا فته و آنگاه که هر دو مسئله، نیا زتوده ها هستند نیروی خود را برای تبلیغ دزد و مورد بد رستی تقسیم کرد. باید در هر مقطع تاریخی اساسی ترین مسئله توده ها را تشخیص داد، در عین حال که برای مسائل مهم دیگر نیز با یستی نیز و گذاشت. اگر تبلیغ را بر روی نیا زتوده ها متمرکز سازیم به سرونوت هب ان فردی مبتلا میشویم که در تشیع جنازه هم به با زما ندگان میگفت: خدا به کارنا ن برکت دهد و هر چه ببرد تمام نشود. حال آنکه مردم نیا زبیه تسلیم شنیدن داشتند!

توجه این انفعال خود، به آنها ماتبی پایه وی ما به و مثالهای عوام فریبانه ای نظیر "عالم همدانی و آن مردیهودی" دست بزنند!

من در توضیحات بعدی خود مودریا سخ بسه این سوال شما به! من نکته خوا هم برداخت که درست بعکس، این آیت الله خمینی بود که چه در همان زمان ملاقات ما و چه امروزه حاضر نبوده و نیست که حقایق امر مردم روشن شود. چرا که در یرتو این حقایق دیگر جایی برای حکومت "ولایت فقیه" ساقی نمی ماند و از زمین رو ممانع

### بقیه از صفحه ۴ خطرات...

۱- فرماندهان و سران مزدور (که البته اکنون دیگر نیا بودند) اند و وجود ندارند! ۲- پرسنل انقلابی و کسانی که به انقلاب مومن هستند.

۳- کسانی که نسبت به همه چیز بی اعتنا هستند ما اگر اینها را انقلابی کنیم، دیگر ارتش ما مردمی و خلقی میشود!

سخنران با کمال مهارت مسائل را با هم قاطی میکرد و نتیجه میگرفت، او این واقعیت را بنیها ن میکرد که ارتش یک سیستم است و خوبی و بدی این سیستم از روی عملکردهای آن قضاوت می شود و اینکه در خدمت چه نظامی قرار دارد و در راه چه هدفی بکار میرود. اوسعی میکرد بگوید که اگر تک تک سربازها و درجه داران خوب باشند ارتش خلقی خواهد شد. درست مثل آنکه بگوئیم چون در زمان شاه اکثریت ارتش از فرزندان زحمتکشان تشکیل میشد پس دستگای بود در خدمت زحمتکشان!

بعد از سخنرانی با سرب سنگین به آسایشگاه برگشتم به چهره های سربازان مینگریستم. و اینکه چگونه سعی میشود با اینگونه تبلیغات با صلاح آنها را از بی اعتنائی بدر آورند به معنای واقعی، یعنی آنکه در دل آنها آن آتش کینه بی پایه را نسبت به برادران گردشان بر افروزند. و آنها را بدشمنی با خلق کرد و دارند حال آنکه شب و روز از مبارزه بر علیه امریکا و عراق دم میزنند! (ادامه دارد)

### بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

"ما با بدفکران خاصی را که فقط از شرایط موجود در دا نشکاه های ویا فقط از زمستون ها و غیره نا راضی هستند، به بوج و بسوسی صرف بودن تمام این نظام سیاسی سوق دهیم". (۳)

بدین ترتیب شناخت ما رکیستی اصلی ترین نیا زتوده ها و متمرکز کردن تبلیغ بر روی آن، بسیار حائز اهمیت است اگر زما نیکه نیا ز توده ها مثلا پاسخ روشن بده مسئله جنگ ایران و عراق است، از پاسخ روشن و صریح به آن سر با ز رژیم ویا زما نیکه نیا زتوده ها شرکت در قیام است، در مورد مسئله دیگری سخن بگوئیم ویا زما نیکه توجه توده ها به مسائل ما نند و قانع

و امروز خود را وقف خدا انقلاب کرده است، صورت میگرفت. ملاقات ما با آیت الله طی جلسات متوالی و هر بار ۱-۳ ساعت و در مجموع حدود ۱۰ ساعت بطول می انجا مید. در همینجا با یستی نکند را ما فدا کنیم که این ملاقات و همچنین با بر ملاقاتهای ما با آیت الله، با توجه به نتش و موسعت اجتماعی مجاهدین خلق و تاشیری که این ملاقاتها و نتایج آنها می توانست بر روی هواداران آیت الله بگذارد، نمی توانست مورد توجه آیت الله خمینی قرار نگیرد و یا از آن سادگی چشم پوشی کند.

**پیکار:** در سلسله ملاقاتهای که شما با آیت الله خمینی داشتید چه مسائلی مورد بحث و مذاکره شما قرار گرفت؟ ممایل محوری را همراه با توضیحات بیشتری برای ما بازگو کنید.

**رفیق روحانی:** روشن است که طی چندین جلسه و جمعا ۱۰ ساعت مذاکره، مسائل ریز و درشت مختلفی مورد بحث قرار گرفت. شیوه کار ما چنین بود که ابتدا من مسئله مورد نظر را طرح میکردم و در باره آن توضیحات لازم را میدادم و در باره آن نظر آیت الله را در باره این مسئله جویا میخدم. آیت الله نیز برخلاف آنچه که تا کنون ادعا شده که ایشان سکوت میکردند نظر خود را نسبت به یکا یک این مسائل و لویه اخصا میداد.

از نظر ما اصولی این بود که قبل از هر چیز و طرح هر گونه درخواستی، نظرات و مواضع سازمان مجاهدین را که ما نماینده آن بودیم، برای آیت الله خمینی به تفصیل توضیح دهیم تا جای هیچگونه ابهام و اشکالی در موضع گیری آیت الله نسبت به ما و یا درخواستهای ما ن باقی نماند. همواره از سوی خود آیت الله و ما سربین کوشش شده است تا مردم تلقین شود که ما قصد فریب آنها را داشته ایم و این، آنها موقیحا نه ای بیش نیست! چنین شیوه ای نه با ایدئولوژی و نه با عملکرد انقلابی ما در طی سالها ن دراز در مقابل با رژیم سفاک پهلوی خوانایی ندا شتم. ما هما نظور که به کرات در بحثهای خود با آیت الله خمینی یاد آور شدیم و در همین مباحثه مسن بدانها خوا هم برداخت.

ما همواره روی این اصل که با بدشمنی حقایق را با توده ها در میان گذاشت تا کید می و ورزیدیم. ما چیزی برای بنیها ن کردن از کسی ندا شتم، بعکس ما در هر کجا و حتی در زندان، زیر شکنجه و میدان نیراز با زگو کردن اعتقادات و مواضع انبیا بی ندا شتم. حال اگر آیت الله خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی نسبت به گذشته خود چنین احساسی دارند این دیگر ما مربوط نمیشود. این خود آنها هستند که با بدیه توده ها پاسخ دهند که چرا باید در برابر جوانانی که سن آنها حداکثر به ۳۰ سال میرسد و به اقرا صریح خود آیت الله و ما سربین به قرآن و نهج البلاغه آشنا تر و مسلط تر از آنها بودند این همه دچار عجز و انفعال شوند و بدتر از آن در



در ادا مه مخالفانی که هر یک جنبه‌ای از جوانب حیات اقتصادی و سیاسی عراق را مورد بحث قرار میداد، در شمار گذشته از ظهور جنبش کارگری و کمونیستی و سهمی که این جنبش در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلفای عراق ایفا کرده است، با ختم رخن کنیم، لازم است خاطر نشان کنیم که بدلیل کمبود مدارک تحلیلی و تحقیقی مورد نظر و نیز محدود بودن صفحات پیکار این مقالات آنطور که ناگفته است منظور ما را بر نمی آورد ولی آنرا بعنوان یک مدخل و فتح باب مفید تشخیص داده ایم. اینک ادا مه بحث عمده را میخوانند:

## نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها

۲

بندریج به ساخت و پاخت با رژیم جدید و معامله با آن منجر شد تا قسم درکن و قوس با - ریهایی سیاسی موجود، زمانی با کمونیستها علیه احزاب دیگر زمانی با احزاب دیگر علیه کمونیستها متحد میشد.

رویزیونیستها که بتدریج تسلط خود را بر رهبری حزب تحکیم میکردند، بر سر: برای اعلام کمونیستها و نیروهای دموکرات عراق توسط رژیم در برابر تسلط عناصر ارتجاعی بر مواضع حساس کشور مخصوص ارتش، در برابر ابرنا دیدند گرفتن حقوق ملی خلق کرد با یورژوازی حاکم سازش کردند، رویزیونیستها شرایطی که برای کمونیستها جهت بدست گرفتن قدرت فراهم بود، نادیده گرفتند و به توده ها که می گفتند: "حزب کمونیست با بد قدرت سیاسی را بدست گیرند با سخ مثبت نمی دادند. آنها در پی دست یافتن به برخی از خواسته های جزئی و اصلاح طلبانه بودند گفته میشود که رویزیونیست های عراقی برای آنکه به دولت فشار برسانند و رند که آنها را در کا بنیته شرکت دهد از تشکیلات سری خود در ارتش خواستند که به "شورای انقلاب" نامه نوشته و از آن جنبش درخواستی را بنام بندهمگی آنرا امضا نمایند. بدین ترتیب نام فریب ۵۰۰ نفر از تشکیلات نظامی حزب برای دولت لورفت و در نتیجه آنها اخراج و یا به زندان افتادند!

خط مشی رویزیونیستی، فرصت طلبانه و اصلاح طلبانه که کم حزب در کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳، نیز سازش را بر مبارزه ترجیح داد. او - کودتا - همانطور که در مقالات قبل گفته ایم، مشارکت اساسی بعشقه و طرفداران ناصری پیوست و موجب کشتار فوج جمع کمونیستها و ز - های دموکرات عراقی شد. توده های حزب - به تسلیم نبودند و چند ماه پس از کودتا یعنی در سوم ژوئیه همان سال یک شورش از سوی اعضا و هواداران حزب در ارتش علیه رژیم ترکویگر - حسن البکر - عبدالسلام عارف بوقوع پیوست که نشان دهنده زنده بودن جنبش در بین توده ها بود ولی رهبری رویزیونیستی دست از پا خطا نکرد! و شورش بنحونوبینی سرکوب شد. تقریباً یکسال بعد یعنی در ژوئیه ۱۹۶۴ حزب رویزیونیست عراق علناً حمایت خود را از رژیم عارف که مسبب آثمه جنایات فاشیستی علیه توده های خلق و

کمونیستها بود را زداشت و طی بنا نبه خود بر نامه های اقتصادی رژیم عارف را "گامی در راه سوسیالیسم" نامید! با صدور این بنا نبه رهبری حزب که تحت فشار توده های تشکیلاتی پس از کودتای عارف (سال ۶۳) مجبور شده بود خط مشی سرنگونی رژیم را به راه سوسیالیسم مکتب " تصویب کند، راه خود را بیش از پیش از توده ها جدا کرد و این موجب اولین انشعاب در درون حزب گردید.

پیش از این انشعاب، برخی از اعضا، حزب را رها کرده و برخی دیگر با اتحاد مومنی منفعل در حزب مانده بودند. انشعاب تحت نام حزب کمونیست عراق - کمیته انقلابی "مورت گرفت". این انشعاب عمدتاً با فرقه های چریکی حزب مرزبندی میکرد و با مومنی در قبایل یورژوازی و حاکمیت آن مرزبندی می نمود. مسائل مورد اختلاف دیگر عبارت بود از: توده های بیشتر در مبارزه و مسائل متعهد ملی و انترناسیونالیستی، این انشعاب همچنین نشان داد که محل اختلافات درون حزبی از طریق دموکراتیک درون تشکیلاتی عملی نیست و یورکراسی بر سر راه کارگانهای حزب حاکمیت پانته است.

اما این انشعاب علیرغم جنبه های انقلابی و مترقی آن تا حدودی دارای جنبه خود بخودی بوده، با رویزیونیسم مرزبندی نداشت و بر نامه سیاسی روشنی را در رابطه با طبقه کارگر و جنبش دموکراتیک ارائه ننمود. اینگونه ضعفها موجب شد که به مسائل شورویک کم بها داده شود، خرده - کاری و پراکنده کاری و لپی را لیم در تشکیلات عمومیت یابد، اجاسان رژیم به داخل تشکیلات رخنه کنند و برخی از افراد را به بیست افتند و به جنبش فریه های سخت وارد آوردند.

مبارزه ایدئولوژیک درون این تشکیلات (ح.ک.ع. کمیته انقلابی) در شرایطی که جنبش کمونیستی از جهت هم از سوی رژیم کامو هم از جانب خیانتی رویزیونیستها در معرض ضربات دردناک قرار داشت، ادا مه یافت و رهبری مورد انتقاد شدید قرار گرفت و سرانجام در سال ۶۷ با صفیه عنا صرفت طلب، درون "کمیته انقلابی" "حزب کمونیست عراق فرماندهی مرکزی" بوجود آمد. ارائه بر نامه سیاسی روشن تر، مرزبندی با رویزیونیسم، جهتگیری به سمت فعالیتهای توده ای و پیوند با جنبش طبقات کارگر و تلفیق کار مخفی و علنی را در دستور کار ردن از ویژگیهای تشکیلات جدید بود. حزب در مورد جنبش ملی عربی و مساله حمایت از جنبش مقاومت فلسطین و همچنین مسئله حقوق ملی خلق کرد نیز بیطیور مشخصتری موضعگیری کرد.

گروه های دیگری که پس از این انشعاب ت در بین اعضای سابق حزب بوجود آمدند یکی بقیه در صفحه ۸

تا سال ۱۹۵۸ که رژیم سلطنتی در عراق واژگون شد کمونیستها همراه با دیگر نیروهای انقلابی و دموکرات به مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس و رژیم دست نشانده و تحت حمایت آن ادا مه میدهند، کارگران و توده های زحمتکش شهرها و دهات را سازماندهی میکنند و نقش حساس و تعیین کننده ای در اعتمایات و تظاهرات های ایفای می نمایند. مثلاً در اکتبر ۱۹۵۲ - سیاسی مترقی عراق "از دولت خواستند که تائون انتخابات را تغییر دهد و بجای انتخابات غیر مستقیم، سیستم انتخاباتی مستقیم را برقرار کند. این احزاب همچنین خواستار لغو پیمان مشترک عراق و انگلیس و رد پیمان دیمان دفاعی مشترک و ملی کردن صنعت نفت (تحت تاثیر تجربه مدتی شدند) ولی دولت، حاضر به قبول این خواسته نشد. در روز ۲۲ نوامبر بحران به اوج رسید زیرا حدود ۲۰ هزار نفر که بیشتر دانشجویان و باجای کوناگون مسلح بودند، به نما یشهای خیابانی پرداختند و دست به تازیانی اموال آمریکا شپها و انگلیسی ها زدند" (۱) کمونیستها در عین مشارکت فعالانه در این قیام به سازماندهی تشکیلات دانشجویان، زنان، اتحادیه دموکراتیک جوانان و اتحادیه های کشاورزان پرداخته و اعتمای سیاسی کارگران را در پا یگاه "حبا نبه" رهبری نمودند. کمونیستها در بین ارتش نیز تشکیلاتی قابل توجه بوجود آوردند.

در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ که با کودتای عبدالکریم قاسم رژیم سلطنتی واژگون شد، کمونیستها از چنان قدرت توده ای برخوردار نبودند که رژیم جدید بهیچ وجه نمی توانست آنها را نادیده بگیرد. گرایش های رویزیونیستی که از ۱۹۵۶ بعد در داخل حزب کمونیست عراق نیز رخنه کرده بود

(۱) نقل قولها از کتاب در خاور میانه چه گذشت؟ صفحه ۴۷۷

**تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!**





چرا شعار

جمهوری دمکراتیک خلق را تبلیغ میکنیم؟

رفقای بسیاری از ما پرسیده اند که چرا ما شعار "برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق" را تبلیغ میکنیم؟ با این شعار در این شرایط با ذهنیت توده ها منطبق است؟ یا طرح آن چپروانه نیست؟

در پاسخ باید گفت نه! شعارها در شرایط گوناگون نقشهای متفاوتی را ایفا میکنند. شعار ترویجی با شعار تبلیغی و شعار رهنمود عملی تفاوت دارد. هر کدام از آنها در شرایط خاصی از جنبش میتوانند نقش متفاوتی ایفاء کنند. فی المثل در دوران رکود جنبش درسا لیسان گذشته، شعار سرنگونی رژیم شاه یک شعار ترویجی بود و نمیتوانست یک شعار تبلیغی گسترده باشد و بطبعاً این شعار نمیتوانست در اعلامیه های تبلیغی - توده ای نقش برنده داشته باشد. اما در دوران آغاز انقلابی جا معما که در آن نظاهرات و مبارزات توده ها با لاگرفت در موقعی که مردم خفته بیدار میشوند و شور انقلابی در آنان فروزی میگرفت، در این شرایط شعار سرنگونی رژیم به یک شعار تبلیغی گسترده بدل گشته بود و ما آنرا میتوانستیم در سطح وسیعترین توده ها تبلیغ نمائیم. در شرایطی که انقلابی رو به اوج بود و بتدریج موقعیت انقلابی پدیدار میگشت، شعار سرنگونی رژیم، بدیک شعار رهیجی تبدیل شده بود، دیگر در نظاهرات گسترده و توده ای میتوانستیم توده ها را حول این شعار به تهییج و حرکت درآوریم و آنها را بسیج نمائیم. در دوران موقعیت انقلابی شعار سرنگونی رژیم دیگر یک شعار عملی بدل گشته بود، موقعیت انقلابی برقرار بود و سرنگونی رژیم شاه امری عملی بود که با بدنه تدارک و سازماندهی توده ها برای به اجرا آوردن آن اقدام مینمودیم و در همین رابطه تبلیغ مسلحانه در دستور و قرائت میگرفت. لنین در برخورد به انقلاب کتیرمی - گوید: "اگر چند روز دیگر برتر رهنمودتیا را بسرای سرنگونی رژیم بورژوازی طرح می نمودیم، بقینا انقلاب شکست میخورد" چنین است که اگر نتوانیم، انواع شعارها را درک نموده و هر کدام از آنها را در شرایط مساعدش بکار ببریم میتوانیم به انحراف آنها رشیستی یا اگونومیستی در غلطیم فی المثل تبلیغ مسلحانه در دوران رکود جنبش توده ها، آنها را بشیم و ما جراحی محض است و ناگزیر گروه تبلیغ کننده را به دسته جدا از توده بدل مینماید، چنانکه این امر مثلا در مسورد

چریکهای فدائی در دوران رژیم شاه مادی بود. همچنین در دوران موقعیت انقلابی حاکم بهر جا معما، عدم تبلیغ مبارزه مسلحانه و محدود نگاه داشتن مبارزه و شعارها در سطح اقتصادی و سیاسی در حالیکه توده ها فرسنگها از آن جلوتر میباشند، حرکتی اگونومیستی و عقب مانده است. همانگونه که این انحراف را ما در اکثر نیروهای خط ۳ در زمان قیام شاهد بودیم. در مورد شعار جمهوری دمکراتیک خلق، باید بگوئیم که در شرایط افت و رکود جنبش این شعار جنبه ترویجی دارد، اما در شرایط اعتلا جنبش که توده ها دارای روحیه سیاسی هستند و با فروریختن توهشتان از رژیم جمهوری اسلامی، بدنبال آلترنا تید دیگری میگردند، شی شک تبلیغ آلترنا تید و شعار جمهوری دمکراتیک خلق از وظایف محوری - ملهاست و برخلاف درک رفقای چریکهای فدائی (اقلیت) نه تنها این امر چپ روی نبوده، بلکه برخورد عملی نسبت به شرایط موجود (اعتلا انقلابی و روحیه سیاسی توده ها) میباشد. ضرورت تبلیغ این شعارها اکنون جزو برنامه سیاسی کمونیستهاست. عدم تبلیغ این شعار امری اگونومیستی بوده و در شرایطی که توه توده ها بصورت گسترده فرو میریزد، عدم ارائه و تبلیغ این آلترنا تید برای ارتقاء آنها امری راستروانه محسوب میگردد. بدین لحاظ تبلیغ این شعار در چنین شرایطی بصورت بسیار گسترده و تبلیغی، بگانه شعار صحیحی است که میتواند مبارزات طبقه و توده ها را در رابطه با برنامه سیاسی کمونیستها ارتقاء دهد.

رفقای "هسته تلاش" در اصفهان

نامه شما به همراه کارگران نقدرتان بدستمان رسید! رفقا از اینکه دست به جمع آوری مقالات پیکار مربوط به لهستان و چا پ آن به صورت جزوه زده اید، جای بسی خوشحالی و امیدواری است. با اینهمه ذکر چند نکته را در رابطه با رهنمودهایی که خواسته بودید، لازم می دانیم:

- ۱ - رفقا! اگر منظما یک تشکیلات وظیفه م - ل - هاست. چه بدین طریق از خرده کاری، اتسلاف انرژی و پراکنده کاری جلوگیری میشود. تشکیلات پیگیر م - ل - که دارای تئوری، برنامه، سیاست، رهنمود، تقسیم کار درونی، سلسله وظایف متعدد و پیچیده و دارای ارگانهای گوناگون است، هم در عرصه سیاست و هم در عمل بهتر میتواند از هسته های کوچک و محدود که فاقد شرایط نامبرده است، فعالیت نماید. وظیفه هسته های م - ل - که در ارتباط تشکیلاتی قرار ندارند، اینست که هر چه زودتر در رابطه با روشها و روشهای عملی و مزیندی با انحرافات درون جنبش کمونیستی با پیگیرترین جریان جنبش کمونیستی ارتباط برقرار نمایند.
- ۲ - رفقا! درست است که انتشار مقالات مربوط به لهستان توسط شما تا شبر خوبی در تبلیغ و ترویج وظایف سازمان دارد، ولی انتشار نوشته های ترویجی بصورت جزوه، اگر مدتی هم

از آن بگذرد چندان که نهنه نمیشود، در حالیکه نوشته ها، اعلامیه ها و مهمترا همه خود نشریه پیکار که ارگان تبلیغی - سیاسی است، اگر بکفته از آن بگذرد کهنه میشود. از اینرو رفقای هوادار با یستی در درجه اول به تکثیر و توزیع سریع اعلامیه ها، تراکت ها و پیکار ویا قسمتهائی از آن اقدام کنند و میتوانند در این فعالیت تبلیغی که میراث گسترده ترا از ترویج است و با بد منتظم تر و سریعتر صورت گیرد، سازمان را یاری رسانند و بویژه که در شرایط خفقان فعلی همراه با محدودیتهای چاپی، مالی و توزیع، میدان تبلیغ ما علیرغم جنبه محوری آن محدود گردیده است.

۳ - از جمله فعالیتهای دیگری که شما میتوانید انجام دهید، الف - انتشار اعلامیه های محلی بنام هواداران است که بدین ترتیب در منطقه خود، حضور مادی خویش را نشان داده و میتوانید، در تبلیغ و ترویج سازماندهی و هدایت مبارزات توده ای منطقه موثر واقع شوید.

ب - در کنار تکثیر و توزیع اعلامیه های تبلیغی، تراکت و یا قسمتهائی از پیکار، بزرگ نویسی مطالب کوتاه پیکار و تراکتها، شعار نویسی و... از جمله فعالیتهای تبلیغی است که بویژه در این شرایط نقش برجسته ای در تبلیغ دارد.

ج - ارسال اخبار و گزارشات و... از مبارزات طبقه کارگر و توده ها برای پیکار از دیگر وظایف مهمی است که شما میتوانید انجام دهید.

۴ - شرکت فعال در مبارزات روزمره توده ها، ایجاد دسته های کمونیستی در میان آنان، تلاش در جهت رهبری تشکلات توده ای و... از جمله وظایف کمونیستهاست. در کارخانجات و موسساتی که نا مبرده اید بجای دسته های کمونیستی، تبلیغ و ترویج مواضع سازمان، بخش هر چه بیشتر پیکار در آن موسسات، کمک دیگری است که شما میتوانید در راه آرمان بیرولتا را انجام دهید.

۵ - جمع آوری و ارسال کمک های مادی یکی از وظایف مهم دیگری است که شما میتوانید پیگیرانه در راه آن اقدام نمائید. بویژه در شرایط فعلی که سازمان از نظر مالی در مضیقه است، این امر از ضرورت بیشتری برخوردار است. دست آخر رهنمودهای عملی مشخص و وظایفی که با بدیدان پرداخت را میتوانید از طرفی با برقراری ارتباط تشکیلاتی با رفقای سازمانی ما در آنجا و همچنین از طریق صفحات (وظایف عملی ما، رهنمودیه هواداران و یا سخنی با رفقا و...) بطور مرتب دریا فت کنید.

رفقا! منتظرا انتقادات و پیشنهادات و نامه های دیگرتان هستیم!

نامه یک رفیق کلرگو به سازمان

اخیرا نامه ای از طرف یک رفیق کارگر بدست ما رسیده که ما بدلیل اهمیت آن قسمتهائی از نامه را با برخی صحیحات جزئی انشائی در بقیه در صفحه ۲۲



بقیه از صفحه ۳ پرسشنامه...

۶- جمعومی مبارزاتی در سطح جامعه (اقتضای روطبقات مختلف):

۱- در مقطعی که این مبارزه جریانی داشته جو عمومی مبارزاتی جامعه (اقتضای روطبقات مختلف) چگونه بوده است؟

۲- میزان تاثیرپذیری کارگران کارخانه از جمعومی مبارزاتی جامعه.

۳- اثر متقابل حرکت اعتراضی این کارخانه در سایر کارخانه‌ها و سطح جامعه.

۴- تعیین ترکیب کارگران از نظر ملیت‌ها و تاثیر مبارزات خلقی کرد، ترکمن، عرب و... در کارخانه.

۷- در مبارزه چپ‌بخشی از کارگران پیشرو بودند و چپ‌بخشی عقب مانده؟

۱- در صد کارگران پیشرو، متوسط و ناآگاه در مبارزه و میزان هم‌مونی کارگران پیشرو چقدر بود؟

۲- ویژگی‌های کارگران پیشرو و عقب مانده در مبارزه چپ‌بود؟ (قدیمی یا جدیدی، تعلق به قسمتی خاص کارخانه، سطح سواد دانش، تجربه مبارزاتی و...)

۳- نقش کارگران زن در مبارزه چپ‌بود؟ (دنباله رو، فعال و پیشرو، بی تفاوت، مخالف و...)

آیا خواسته‌های مستقل از کارگران مرد را هم مطرح میکردند؟ چگونه؟

۸- گروه‌بندی‌های درون کارخانه و برخورد آن‌ها به مبارزه کارگران (مثلاً تفادین جناح‌های مختلف در درون کارخانه، متاثر از جناح بندی درون هیات حاکمه، بین کارفرما و انجمن اسلامی، بین کارفرما و سرپرست دولتی و طرفدار...

۹- نقش تشکلهای زرد و وابسته نظیر انجمن درونی کارفرما و عواملش توسط نیروهای آگاه.

۱۰- نقش تشکلهای زرد و وابسته نظیر انجمن‌های اسلامی، شورای زرد کارخانه، نیروی ویژه و... در جلوگیری و به انحرف کشاندن مبارزه و ورود در قرارداد کارگران.

۱۱- زمینه‌های موجود اختلاف بین کارگران و سواستفاده کارفرما از آن و برخورد انجمن کارخانه آن.

الف: زمینه‌های اختلاف.

۱- با سابقه و کم سابقه.

۲- کارگران زن و مرد.

۳- ویژگی‌های قومی (مثلاً کارگران کرد در مقابل دیگران قرارداد و برعکس).

۴- اختلافات مذهبی و...  
ب- چگونگی سواستفاده کارفرما و عوامل آن از این اختلافات.

ج- نقش انجمن کارخانه در زمین بردن این اختلافات و مقابله با سواستفاده کارفرما.

۱۱- نقش "عناصراکاه" در جریانی مبارزه و تاثیرات آن.

۱- عرصه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی عناصر آگاه (سخنرانی‌های افشاگرانه، پخش اعلامیه و...

نشریه، برگزاری نماشگاه و...)

۲- نقاط مثبت و نقاط ضعف کار "عناصراکاه".

۳- برخورد نیروهای سیاسی مختلف نسبت به مبارزه کارگران (موضعگیری‌ها نشان نسبت به مبارزه، نقش آن در مبارزه، همکاری آن‌ها با یکدیگر و...)

۱۲- پایان مبارزه و چگونگی تمام شدن آن:

۱- عقب نشینی کارفرما و دولت و پیروزی کارگران (انسبی و یا کامل در آن مقطع) یا شکست مبارزه.

۲- در صورت پیروزی، نقش عناصر آگاه در پیروزی رساندن مبارزه و تشکیل کارگران.

۳- در صورت شکست، نقش عناصر آگاه چه بود؟

۴- نقش عناصر و نیروهای سیاسی خائن و سازش کار و... در مبارزه و شکست کارگران از پیروزی کامل و بیا به شکست کشاندن مبارزه.

۵- نقش ارگان‌های سرکوبگر (پاداران، ارتش و... در درودروشی با کارگران.

۶- نقش تشکلهای زرد (انجمن اسلامی و... در جریانی مبارزه.

۷- نقش سخنرانی‌های تحمیق کننده آوندها، کارفرما و مقامات دولتی در مبارزه.

۱۳- مشخص کردن ضرورت‌ها که کارگران در جریانی مبارزه به آنها پی میبرند، نظیر ایجاد صندوق اعتماد، ارتباط گیری با کارگران سایر کارخانه‌ها برای تشکیل اتحادیه و...)

۱۴- موضعگیری و نقش مهندسين، کارمندان و سرپرست‌ها در جریانی مبارزه کارگران.

۱- از چه خواسته‌هایی پشتیبانی و با کدای مبارک مخالفت داشته اند و چرا؟

۲- تا چه موضعگیری آن‌ها در مبارزات کارگران، ارزیابی از کلی حرکت و جمع بندی ستا و ردهای مثبت و منفی مبارزه.

۱- نقاط قوت و ضعف مبارزه را در تمامی دوره آن تشریح کنید و به ویژگی‌های اشاره کنید.

۲- ارزیابی و تحلیل از روحیات کارگران در هر دوره از مبارزه.

۳- در صورت شکست مبارزه، علل آن تحلیل شوند.

۴- مشخص کردن برخورد‌ها و حرکت‌های "چپ" و راست در هر دوره از مبارزه.

۵- دستاوردهای مثبت مبارزه را شرح دهید.

۶- تا چه میزان مبارزه در حرکت‌های بعدی کارگران.

۷- نقش این مبارزه در بالا بردن آگاه‌های و شکل کارگران و نشان دادن قدرت واقعی آن‌ها به خود آن‌ها.

پیروزی باشد!

ملاحظات کوتاه

خودشو بیار، اسمشون بیار!

قضیه تجدید را بطله با "شیطان بزرگ" وصل مساله‌ای بنا می‌گردد که "کهری دست رژیم با د کرده است بجای آن انگیز "خودر سیده است. "ول می‌کنیم"، "ول نمی‌کنیم"، "اگر"، "مگر" و "توبه"، "تکامل معنوی آمریکا"، "قطع‌ات بدکی"، "غلطی نمی‌تواند بکنند"، و جز اینها در فضا طنین انداز است ولی در باطن، چون در این نظام اقتصادی سرما به داری و وابسته چاره‌ای برای رژیم جمهوری اسلامی تجدید را بطله با میریای لیست‌ها وجود ندارد، عملاً همان راهی را می‌روند که ظاهر آن را نفی میکنند. لیبرال‌ها با دشمنان گرد و می‌کنند که "دیدیم راست میگفتیم!" و... حتی آیت الله منتظری هم از عدم حضور نمازیندگان مجلس برای حل و فصل قضیه گروگانها انتقاد میکند. این قضیه‌ای را بیا دنیا ورد که میگویند: خانی دسر راه به کاروان سراسمی وارد شد. هوا سرد بود، پتو و لحاف خواست. ولی ندا شدند. وقتی اصرار کرد، کاروان سراسمی گفت: "آقا، ببخشید، پتو و لحاف ندا ریم ولی جمل (بالان) داریم". خان برآشف و او را دشمن داد. شب هوا خیلی سرد شد و خان داد کشید که پتو بیار، لحاف بیار، و کاروان سراسمی جواب داد: آقا گفتم ندا ریم، خان گفت: "آن چیز دیگری که شرب گفتمی بیار ولی اسمش را بنویس!"

سرهنگ مؤذن و

فیلمی که رژیم در آورد!

در هفته پیش یک روضه خوانی نوع جدید بر سر "گورشن چشمه‌های سرهنگ مؤذن در تلویزیون و مطبوعات به راه افتاد، بعضی دلدارای و البته تبریک (!) گفتند و بعضی دیگر چشمه‌شان را خواستند و هدیه کردند... برای او شعر گفت و یکی دیگر... جناب سرهنگ مؤذن که بقول خودش ۲۵ سال است افسار ریش بوده (یعنی از فردای ۲۸ مرداد افر شده!) و با گفتن "شهادتین بصورت یک حُر" تمام عیار "آزاد درآمده، در مدح جمهوری اسلامی و فدائیکاری برای اسلام و ایران خیلی درسخ داد و دولتی نگفت که وقتی در سال‌های گذشته در ادامه دوم ارتش کار میکرد چرا نزد همکارانش قسم می‌خورده است که حاضر است زن و بچه‌اش را پیش پای شاه شاه سر ببرد! او همچنین پرده از این راز معجزه آساکه در دوران جمهوری اسلامی می‌تواند تفاق بیفتد بر ندانسته که اگر چشمش - چنانکه می‌گویند - مورد ضربت ترکش بمب و خمپاره قرار گرفته





### ملاحظات کوتاه

است، چطورا شری از زخم بریلکهاش دیده نمی - شود و چطورا چنان نفسی تر "تخت سما رستان" حجازانی میکند که در اترقش را آن جنبها لیم هم از دیده سیرون میرند و چگونه اگر جنبهاش زخمی است و سینه اش را از دست داده باشد چنان - فالجها نه میگوید که سینه اش را بزودی باز خواهد یافت: آیا دوره معجزات و کرامات که از محتمات تاریخی فرور وسط است در قرن بیستم هم تکرار شده است؟ شاید!

سعد الحنجر: آخرین خبر حاکی از این است که حشما نشان سناشی خود را تا حد زیادی باز یافته است.

### اگر مریض شدید، بروید زورخانه!

روره شبیدع آبان بیست و یکم عید غدیر قلمی از تلویزیون بخش شد که خیلی آموزنده بود پس رجه مریضی که دکترها جوابش کرده اند، به کود زورخانه برده میشود تا در آنجا "پهلوانان" ورزش باستانی، با گفتن "با علی تفای او را خوا ستا شود. همین کار را میکنند و کودک ناگهان بر میخیزد و ورزش باستانی در دوره گذشته بگور معجزه داشت و حالا هم بگور دیگر! اسرار فراموش نکند، دوا درمان اگر نیست، چه باک کبود زورخانه که هست! دانشگاه هم اگر بسته شده و پزشک ندارد عیبی ندارد که کود زورخانه که باز است، دعا کردن هم که خرجی ندارد فقط "دل پاک" میخاهد.

از این پدیده ها تعجب نکنید. خرافات عمای دست طبقات فرتوت و رژیمهای شما بنده آنها است. تا بد در آینده جن هم بگیریم.

بات تاصح دولتش بدمد

کابین هنوز از نتایج سحر است

### آیا میدانید...

آیا میدانید که لیسرال آمریکائی معروف مادیق قطب - زاده که آبروشی هم پیش نموده ها ندارد توانسته است ۴/۵ میلیون تومان برای راه انداختن روزنامه اش - که بنام "وال انبصر" قرار است منتشر شود - بول جمع کند؟ یا لاخره لیسرالها موردانگی آمریکا با ازدور خارج شدن بختیا رومدنی که از رومنی روندا این بار ولوبطور موقت، قطب زاده را می چسند. آقای قطب زاده پس از تلاش "بی شائبه" خود جهت آزادی گروگانهای بانکی و مصالحه ای که در هفته گذشته با تلویزیون ژاپن داشت مراتب ارادت خود را به ارباب طبقاتی اش یعنی امیریا لیم آمریکا نشان داده است.

بقیه در صفحه ۲۱

بود و جز سرکوب و استعمار بود و ما سینه داری و استه جزئی برایشان به ارمغان برده بود چنین بود که زحمتکشان شوروی تا دم برک ازمین خود دفاع میکردند و اگر همدنم به جاشی بسای میگذاشت، فعلا مردم آنجا همه حیران بودند کرده بودند در نقاطی ویران را بدشمن می سپردند اما زحمتکشان خرمین را سرک کرده بودند و شیر تسلیم رژیم عراق شد، در حالیکه میلیاردها تومان کالا در خرمنش وجود داشت. نفسا و با اسالیمکرا در خرمنش در مردم آن، کهدر دو نظام منافات آتمنادی اجتماعی (یکسانی سوسالستی و دیگری سرمایه داری) و نیز زدود سیاست منافات بود که دولتها بشان احرامی - کردند. سیاست شوروی دفاع از انقلاب جهانی و منافع زحمتکشان و نابودی فاسد سوسالست دولت: برن حفظ سرمایه داری و استه و وحدت با امیریا لیم جهانی بوده است. آری اگر زحمتکشان خرمین مورد تجاوز امیریا لیم قرار میگرفتند دریا تنگ عادلانه ای بوعلیه میزبان لیم و ارتجاع و با برای اسفرا رجا کمیست زحمتکشان درگیر شده بود، آنان سرخما استالینکرا در امی آفرینند. حال آنکه امروز صحنه را ترک میکنند. و رژیم جمهوری اسلامی و ریز سوسالستهای خاش همدست سوزواری را که ما هست جنگ را می یونان سدر سوا میکند و سه ضجه های "دفاع از زمین" دفاع ظلمان نیز وضعی نمی نهند.

- ۱- نقل از کتاب زندگی استالین
- ۲- زحمتکشان قهرمان سنجند نیز در زیر توب - خانه های رژیم جمهوری اسلامی در ادبیست خونین ۵۹ دلورانه ما نند استالینکرا. دفاع و متا و متا و شیرا ترک نکردند.
- ۳- شوروی لیس و استالین، دژ مستحکم سوسالیم بود. جنگ جهانی دوم در حقیقت بخاطر حمله به این دژ سوسالیم عا دلانه بود. در حالیکه شوروی خرونجف و برزف، کشوری است ضد خلقی، هم اینک شوروی به سوسال امیریا لیم استعلا هیا فته است.

و سلطه امیریا لیم بر ما میبیرد ا ختند. و با لاخره آزادی گروگانها از یکسوسال نگر قافیه تنگ آن دسته از کمونیستهای بود که همواره و بخصوص در دوره جنگ ایران و عراق سخن از سزنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط آمریکا میکردند و هم اکنون نیز با بی برنسیبی و لجاجت کودکانها صرا در اند که جناحی از رژیم راضد امیریا لیم است قلمداد کنند و جنگ ایران و عراق را آشکارا و غیر آشکارا جنگ عادلانه بدانند! و از دیگر سو، بیانگر حقا نیت مواضع نیروهای بخش پیگیر جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما در سرخورد به واقع سفا رت و جنگ ایران و عراق و ما هیت آن بود.

۵۹/۸/۹



### جهتفاوتی...

استالینکرا در جنی از زمین سوسالستی بود. زحمتکشان استالینکرا دهنگ مدافع از زمین، از حاکمیت زحمتکشان از سزارع اشتراکی و کارخانه ها ش. خودشان ما حبان بودند دفاع میکردند، آنان از سوسالیم مدافع می - کردند. هر مزرعه اشتراکیما، به یک مرکز سر مشاومت دسته جمعی بدل شده بود و کارگران توسط شورای کارخانه شان اینک مسلحانه سسرود بر خاسته بودند. هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان استالینکرا دگشته شدند. بخشهای بزرگ و اصلی شهر ویران شد اما استالینکرا د تسلیم نشد. تلفات انسانی جنگ دوم جهانی یعنی بالغ بر ۶ میلیون نفر از میان زحمتکشان شوروی سوسالستی (۳) بود اما اینهمه تلفات و مایعات هرگز مقاومت رنجبران دلور شوروی راست نکرد.

**و اما خرمنشهر ۰۰۰۰۰** زحمتکشان تر سون بودند، آنها دلورانه در زمان شاه خاش زبیرتا نگه و توبها ما نند دیگر زحمتکشان ایران رزم شده بودند. آنها در یک جنگ عادلانه، حتما و حتما مانند زحمتکشان استالینکرا سسر میبند. اما آنها با ترک شهرها بشان نشان دادند که این جنگ را از آن خود نمیدانند. آنها شخص داده بودند که این جنگ عادلانه استهای ارتجاعی دولت ایران و عراق است. یکی برای صدور انقلاب و دیگری برای توسعه ظلمی و در این میسان امیریا لیمتها هستند که ما فروش سلاحها و تقویت جناحهای مورد نظر خود در این دولتها، بود میبند زحمتکشان خرمین، این جنگ را "ملی و آزادی" بخش نمی دانستند، چرا که جناحیات سرگوبگرانهم رژیم را میشناختند. و از وحدت امیریا لیم و رژیم ایران در مقابل انقلاب نیز اطلاع داشتند آنها میخواستند در جهت منافع رژیم جمهوری اسلامی به گوشت دم توب بدل شوند، آنها این زمین را، زمین انقلابی و تحت حاکمیت انقلابیون نیز نمی دانستند، چرا که شیرخانها را جمهوری اسلامی در کارخانه ها و مزارع مکیده

### سرمقاله...

بقیه از صفحه ۲

امیریا لیمتی خلقها و نقطه اغا زور و توده ها و سوبزه کارگران در مینا رزه جدی علیه رژیم جمهوری اسلامی نیز دانست.

آزادی گروگانها همچنین درس بزرگی بود برای توده ها و عنای تجربه تاریخی آنها در شناخت دوستان و دشمنان خود و در اینجا افشای ما هیت واقعی رژیم جمهوری اسلامی و متفابلا روشن شدن حقا نیت نیروهای انقلابی و کمونیستی و موضع گیری های آنها.

بعلاوه آزادی گروگانها، افشاگر رژیم سوسالستیها و سازشکارانی نیز بود که همواره و رد خدا امیریا لیمت بودن رژیم را به گوش توده ها خوانده و خاک به چشم آنها میباید شنید و سوا معانعت از تشدید مبارزه طبقاتی و دعوت توده ها به سازش با رژیم، به تشبیهت حاکمیت رژیم



**کمکهای مالی دریافت شده**

تهران:

الف	۲۴۹۰۰	۶۰۰
ب	۴۹۰۰۰	۶۰۰
ج	۲۴۹۹۰	۸۰۰۰
د	۲۳۰۰	۲۳۰۰
هـ	۲۹۰۰	۸۲۰۰
و	۶۲۲۰۰	۲۰۰۰
ز	۱۲۲۰۰	۲۱۰۰
ح	۲۱۰۰	۲۰۰۰
ط	۲۵۰۰	۵۳۳۰۰
ث	۲۴۹۹۰	۵۲۰۰
ج	۲۳۰۰	۲۳۰۰
چ	۱۲۳۰۰	۶۵۰۰
ح	۲۵۰۰	۲۵۰۰۰
ط	۶۱۲۰	۲۱۹۹۰
ث	۵۱۰۰	۴۰۰۰
ج	۲۹۰۰	۹۰۰۰

- ۱- م - ۴۰۰۰ ک - ۵۱۰۰  
س - ۹۰۰۰ ه - ۲۹۰۰
- ۱- م - ۵۰۰  
۲- و - ۳۰۰۰  
۳- آ - ۴۱۰۰  
۴- ن - ۴۰۰۰  
۵- ح - ۵۰۰۰  
۶- م - ۱۶۰۰۰  
۷- ی - ج - ۱۵۰۰  
۸- دبیرستان ت - ۴۰۰  
۹- دکه الف - ۳۰۰۰
- ۱۰- رفقای هوادار در خمین ۳۰۰۰ ریال  
۱۱- رفقای هوادار در سمنان ۶۰۰۰ ریال  
۱۲- رفقای هوادار در مشهد ۲۰۰۰۰ ریال  
۱۳- دانش آموزان هوادار در نظرآباد ۲۱۵۰۰ ریال  
۱۴- محلات شرق برای کردستان ۳۰۰۰  
۱۵- رفقای کارگر شوش ویسی سیم ۱۵۰۰  
۱۶- حسن کارگر کفش مبارز ۵۰۰۰  
۱۷- رش کارگر سیلو ۱۰۰۰ ریال  
۱۸- دانش آموزان هوادار در نوشهر ۵۰۰۰ ریال  
۱۹- هسته دانش آموزی شرق ۱۷۰۰  
۲۰- هسته دانش آموزی شرق ۷۰۰  
۲۱- رفیق کارگری زمینی ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید  
۲۲- د - م - ۱۹ هدیه ات رسید  
۲۳- مادر هدیه ات رسید  
۲۴- خانواده بنفشه ۱ بهرام چهار ۳۰۰۰ ریال  
۲۵- رفیق جواد (کارگر هوادار) کمک مالی ات رسید  
۲۶- ۲۵۰۰ ریال (بدون کد)  
۲۷- س - مادر ۳۰۰۰ ریال  
۲۸- رفیق ۹/۵ ساله ما سعید ضمن ارسال ۶۴۰۰ ریال کمک نامهای برای مافریستا ده است عین نامه سعید را میخوانید "من سعید الف ۹/۵ ساله ام این پول را میدهم به پیکار تا بیشتر پیکار چاپ کنند تا مردم بخوانند و بیشتر آگاه شوند من این پول را با روزانه و کار خود جمع کرده ام"

شیریز

ب - ۴۱۱۰	ب - ۲۱۴۰
ج - ۵۰۰۰	ب - ۲۱۴۰
ح - ۲۱۱۰	س - ۷۰۰۰
د - ۲۰۰۰	م - ۶۲۲۰۰
ه - ۱۲۰۰۰	ف - ر آ هنگر ۳۰۰۰
و - ۶۱۱۰	م - ۹۱۰۰

- کرمان
- ۱- رفقای هوادار ۱۷۰۰۰۰ ریال  
۲- رفقای هوادار و کمک دارویی شما رسید

- آغا جاری
- ۱- رفیق رش کارگر ۱۰۰۰ ریال  
۲- رفیق دانش آموز ۲۵۰۰

- شهرکرد
- ۱- رفیق مزدک ۵۰۰۰ ریال  
۲- رفیق اسیر تا کویس ۲۰۰۰ ریال

- کرج
- ۱- رفیق راننده برای پیشمرگان سازمان ۲۹۰۰۰ ریال  
۲- رفیق مادر برای پیشمرگان سازمان ۱۰۰۰۰ ریال

مختلف شهر ریخته و با بهر کجا ریستن درها و خانه ها و تیراندازی های مکرر هوای مردم را مجبور میکنند که شهر را تخلیه کنند، فقط دوراه را برای مردم باقی گذاشته بودند با بهر کجا ریستن بیابند و به سنگر نیروهای سرکوبگر تبدیل شوند و با از طریق جاده سنجند - سقز شهر را ترک کنند و به دهات بروند. وقتی مردم اعتراض میکردند که توی این سرما ما کجا برویم دهاتی که شما می گویدشش ماه است نه نفت به آنها داده اید نه قند نه آرد و نه هیچگونه آذوقه ما چطور آنجا برویم؟ آنها میگفتند دستورات شهر با بهر کجا ریستن شما را ن شود تا از وجود خدا انقلاب پا کمازی شود بقیه در صفحه ۲۳

**ملاحظات ...**  
بقیه از صفحه ۲۰  
توده های نا آگاهی که در اثر اعتماد کور به عوام فریبان برای قطب زاده طومار جمع کردند و برایش نظرات راه انداختند او را "انقلابی کبیر" تصور کردند بتدریج حقیقت سخن و موضع کمونیستها را درک خواهند کرد. همچنین بر آنها معلوم خواهد شد که چرا آقاسی قطب زاده وقتی سرپرست "صدا و سیما" خود و امینالش بودا بتفرد و قیحا نه به کمونیستها قش میداد.

سوالی که در اینجا مطرح میشود این است که چه کسانی امثال قطب زاده را بر کرسی اداره امور نشاندند و آیا می توان آنها را از "گناه" ان "قطب زاده" میرا دانست؟

★ ★ ★  
آیا میدانید که مصاد "انقلاب" فرهنگی تاکنون - پس از ۶ ماه - کوچکترین کاری نتوانسته است انجام دهد و برخی از اعضای ستاد معتقدند که دانشگاهها بیدبهمان تشریب سابق زودتر باز شود چرا که در این سیستم کار دیگری امکان ندارد؟ البته رژیم به هدفهای ارتجاعی خود از این "انقلاب" رسید. همین که سنگر دانشگاه را موقتا تعطیل کرد و توانست در راه آگاهی توده ها بوجود آورد خودش خیلی نعمت است!

- ★ ★ ★
- ۱- ز - ۱۰۰۰  
۲- رفقای هوادار در زندان ۵۰۰۰ ریال  
۳- رفیق هررا ننده تا کسی با ۱۰۰۰۰ ریال  
۴- رفیق معلم هوادار ۵۰۰۰ ریال  
۵- رفیق دختر دانش آموز ۷۵۰۰ ریال  
۶- رفیق کارگر نقاش هوادار ۱۰۰۰ ریال  
۷- رفقای محلات تبریز ۳۲۵۰۰  
۸- رفقای محلات تبریز ۳۰۰۰

- ۱- رفیق آ ۲۲۰۰ ریال  
۲- رفیق بیژن ۱۰۰۰۰ ریال  
۳- ن ل ۵۰۰۰ ریال  
۴- معلم ۶۰۰۰ ریال  
۵- غ (کارگر) ۵۰۰۰ ریال  
۶- رفیق معلم III ۱۰۰۰ ریال  
۷- رفقای هسته دانش آموزی کمک مالی بتان رسید  
۸- رفیق دانش آموز ۱۵۰۰

- ۱- ط - ۶۰۰۰  
۲- کارگر هوادار در محمودآباد ۱۰۰۰۰ ریال  
۳- رفیق دانش آموز (لنگرود) ۱۵۰۰  
۴- ب ۲۱۴۰ (کوچمها ن) هدیه ات رسید  
۵- رفقای هوادار (لاهیجان) ۶۰۰۰ ریال  
۶- رفقای هوادار (سپاه هکل) ۶۱۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۶ جشن ...  
وحشیانه شروع به تیراندازی به سوی مردم بیگناه شهر میکنند. در این درگیریها و خرابیها با ران کردن شهر حدود ۲۳ نفر از مردم سقز شهید میشوند و عده زیادی نیز زخمی میشوند. در این درگیری ۲ نفر از پیشمرگان نیز شهید میشوند (۲) در ضمن درگیری پیشمرگان به کمک مردم شروع به شناسائی جاشهای آن محله میکنند و پدر یکی از جاشها را به اسم "عزیزجای" دستگیر میکنند و با خود میبرند. نیروهای سرکوبگر وقتی میبینند که دستبسی به پیشمرگان امکان پذیر نیست بر شدت خرابیها با ران نمودن شهر - میافزایند و خانه های بیشتری را خراب میکنند. روز ۵۹/۷/۲۹ پیشمرگان از شهر خارج میشوند. نیروهای رژیم از طریق بلندگوها اعلام میکنند که مردم باید شهر را ترک کنند چون احتمالاً شهر بمباران خواهد شد (سرکوبگران در کمال وقاحت اعلام میکنند که شهر را بمباران میکنند) و حتی میبینند که مردم به بلندگوها آنها واقعی نمی گذارند شبیه نیروهای نازی آلمانیه به محلات

- (۱) - قابل ذکر است که این حمله دمکراتها موردنا شهیدمان نبوده و حرکتی نبوده که بدون نظر گرفتن روحیه و شرایط ویژه مردم در شهر سقز صورت گرفته است. ما اینگونه حرکات را که بدون وحدت با روحیات و نیازهای توده های خلق کرد صورت میگیرد زیانبار بحال جنبش مقاومت میدانیم
- (۲) - پیشمرگه شهید بعد از زخمی شدن خود را به خانه یکی از کارگران دغانیات میرساند و او را در خانه خود جای میدهد ولی جنایتکاران رژیم رد خون را میگیرند و او را پیدا میکنند و صاحبخانه را نیز همانجا با جاعا اعدام میکنند.

**توضیح و تصحیح**

۱ - در مقاله تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۲) در پیکار ۷۸، صفحه ۱۰۷، شباهی رخ داده است. گفتار "ما باید توجه داشته باشیم که چه بسا تجربیات توده ها که اکنون کهنه و بیسی ارزشند و ... متعلق به پیکار است جمله استالین چه زیبا میگوید با بد حذف شود. این گفتار متعلق به رفیق استالین نیست.

۲ - در مقاله سفر جرائی به نیویورک در پیکار ۷۸، صفحه ۲۲، تیر، سوم - اعلام ما دگی دو طرف برای پایان نمایشنامه است. در چاپ کلمه - کنیم. زیرا همان تیر تیر نیویورک به صورت زیر تصحیح شود، اگر چه در شروع نمایش فقط یک طرف ... تمایل داشت.

**تذکر**

متاسفانه به علت کمبود جا حتی نتوانستیم منتخبی از اخبار جنگ در شهرهای جنگ زده بهیا و ریم. از شما میخوانیم تا اخبار جنگ را در خبرنا به جنگ مطالعه کنید.





۱۳  
روز  
نبرد  
آبان

**خونین دانش آموزان انقلابی با مزدوران رژیم شاه کرامی باد**

بوسیله ارتش بوسیده خود میخواست آنرا خاموش سازد. آری ۱۳ آبان نقطه عطفی در جنبش انقلابی دانش آموزان و صفحه افتخار آفرینی در تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ایران میباشد.

قیام شکوهمند توده های خلق با از بین بردن بساط سلطنت ضحی سستی به پایگاه امیرالایم وارد ساخت. بر روی سیستم آسیب دیده مانا نبود نشده سرما به داری وابسته رژیم سرکار مدکه به ترمیم سیستم سرما به داری وابسته گماشت و به این هدف نمیتوانست جا به عمل بپوشاند، مگر با فریب دادن و افزایش توهم توده ها و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان، خلقها، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی.

**دانش آموزان انقلابی**

اکنون مبارزات انقلابی شما با کلیه دستاوردهای شما در آماج حملات ددمنشان در رجوع حاکم قرار گرفته است. علاوه بر فشار روحفان رژیم جمهوری اسلامی، موج تهاجمات سازشکارانه و روبریونستی و ضد انقلابی نیز مبارزات شما را مورد هدف قرار داده است. حفظ و تعمیق سنتهای انقلابی جنبش دانش آموزی در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و توده های ستم دیده خلق از جمله وظایفی است که در این مقطع برداشتن شما قرار دارد. ضمن مبارزه متشکل برای آزادی فعالیت سیاسی در مدارس با تمام اقوال از خارج معلمان و دانش آموزان انقلابی جلوگیری نماید. افشای هیئت حاکمه و نیروها و جریانات سازشکار و ضد انقلابی نظیر فداشان (اکثریت) حزب خائن توده و سه جبهه ای ها از جمله وظایفی میباشد. جنبش ایران و عراق، ضرورت شناساندن اهداف آنها از ادامه این جنگ و افشای سیاستها و عملکردهای سوسیال شوینیستها و وظیفه انقلابی رفقای دانش آموزان را در او چندان نموده است. رفقای هوادار وظیفه دارند با الهام از رهنمودهای سازمان، اهداف ضد خلقی دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق را از این جنگ افشای نمایند. این امر بویژه در مناطق جنگی و مناطقی که آوار شدگان از جنگ بدانجا کوچ کرده اند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در آستانه دومین سالگرد ۱۳ آبان، روز نبرد خونین دانش آموزان انقلابی با ارتش رژیم وابسته به امیرالایم شاه هستیم. دوسال پیش جنبش دانش آموزان انقلابی بمشابه بخشی از جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی توده های خلق به اوج خود رسید و دانش آموزان انقلابی خبا با نهایی تهران، بویژه اطراف دانشگاه راز خون سرخ خویش گلگون ساختند، خونی که بیروزی خلقهای ستمدیده ایران بر مزدوران امیرالایم آمریکا را نوید میداد.

به موازات رشد و گسترش جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی توده های ستمدیده بر علیه رژیم وابسته به امیرالایم، جنبش دانش آموزی نیز تحت تاثیر تشکلهای سیاسی - انقلابی جامعه و گرایشات ایدئولوژیک - سیاسی و طبقاتی آنها، بطور فعال و تاحدی متشکل در راه برانداختن رژیم وابسته تا به حرکت درآمد. در روزهای قبل از قیام، دانش آموزان مبارز و انقلابی به همراه کارگران و زحمتکشان و دانشجویان انقلابی، شهرهای ایران را از غریب فربا دهی انقلابی، آکنده ساخته بودند. رشد جنبش انقلابی توده های زحمتکش، هر چه بیشتر موجب رشد و تعمیق مبارزات دانش آموزان انقلابی گردید. تا این - که روز ۱۳ آبان ۵۷ فرارسید. در این روز هزاران دانش آموزان دانشجوی انقلابی، با تظاهرات و شعارهای انقلابی خود، در حوالی دانشگاه تهران دستگیر و ستم دیده رژیم شاه را به لرزه درآوردند. دههاتن از دانش آموزان دانشجویان انقلابی در این تظاهرات وسیع توسط مزدوران شاه بخون خویش در غلطیدند. ۱۳ آبان ۵۷ روز تحقیر بساط سرکوب رژیم شاه توسط دانش آموزان انقلابی بود. رژیم شاه برای سرکوب جنبش انقلابی توده ها و جلوگیری از گسترش آن، در شهرهای مختلف از جمله در تهران حکومت نظامی برقرار کرده بود. دانش آموزان انقلابی بدون وحشت از کشتاری که رژیم از مردم قهرمان تهران و شهرهای دیگر برآوردند خسته بود. در روز ۱۳ آبان با تظاهرات انقلابی و جانبازیهای قهرمانانه خود نشان دادند که هیچ نیروی را با رای ممانعت از شعله ور شدن آتش خشم انقلابی توده ها نیست، آتشی که رژیم شاه

بقیه، رسید ۱۸ پاسخ...

اینجا درج می کنیم:

رفقا خسته نباشید!

من در یکی از کارخانه های جاده کرج کار میکنم که نزدیک به تهران می باشد و خانه من در جنوب غربی تهران میباشد. گلابهای از رفقا در زمینه فعالیتها در دارم. گلابها مدبرانه مسئله جنگ میباشد. هم تصور که میدانم از معدود گروه با سازمانها شئی که جنگ را تحریم کرده اند و مرز بندی دقیقی با دور زیم ضد خلقی کرده اند سازمان میباشد...

رفقا راه طولانی در پیش داریم، تنها بیداریم با بدتلاش کنیم، با یدا فضا کنیم، با ید شعار بنویسیم، با یدا علامیه پخش کنیم و خلاصه اینکه با یدا فعال باشیم، رفقای د - د (دانشجویان و دانش آموزان پیکار) با شما هستیم ما کارگران کم کاری میشود، چندان فعال نیستیم چرا؟ چرا مواضع طبقه کارگر در مقابل جنگ در بین ما آورده نمیشود، رفقا ما منتظریم که شما با دستان پر بیاشید.

صبح که بسوی کارخانه سرازیر میشویم در کوچه و خیابان در پشت درخانه مان انتظار علامیه - تان را میکشیم، ولی متاسفانه یا نیست و اگر مهمست، اندک است.

رفقای مبارز و روزمنده کمونیست هوادار سازمان!

با بدجنسیت رفقا، با بددست دزدت هم بدون تزلزل با روح جنگنده و فعال با گامهای سریع هر چه حقانیت نظارتان را برافرازیم. ما چراغ راهنمایمان با ید همگام ما هم، بسا برنامها، با تقسیم کار در حملات، به پخش علامیه به نوشتن شعار بر روی دیوارها، اتوبوس و... و خلاصه به افشای ماهیت جنگ سپردن رژیم، زبیرا سرمایه داران و هواداران آنها (اکثریت فداشان و...) در کارخانه تاجات دست دزدت هم داده اند و در جای پید و گول زدن تمام زحمتکشان آنها با زورشان و اکثریت (فداشان) با عملشان ما را می چابند. آری با ید این خائنین را افشا و طرد نمائیم. سرما به دارها، با سرما به شان، حزب توده و اکثریت (فداشان)... و دیگر خائنین زیر چتر طبقه کارگر به گول زدن کارگران مغولند و چه ما دقت نه زحمتکشان به دام آنها می افتند. با ید کارکنان و افشای آنها شیم. و این کم - کاری بخصوص از طرف "د - د" و سایر رفقا با ید جبران شود و تکرار آن قابل قبول نمی باشد و در خدمت سرما به داران و رژیم جمهوری اسلامی می باشد.

پس برویم و فعال و پر شور با گامهای بلند بنام آرمان طبقه کارگر، برای زحمتکشان فعال شویم و ما هیت جنگ را افشای کنیم.

رفیق کارگر! میدوایم کلبه رفقا و هواداران نامه پر شور تو را خوانده و در جهت رفع ضعفها و سستی ها اقدام کنند. دست تو را به گرمی می فشاریم!



### یاد حیدرخان عمو اوغلی ستاره سرخ جنبش کمونیستی ایران و اگر امانی بداریم!



تحکیم و حفظ وحدت صفوف خلق گام مبرمیداشت به  
تبعیت از تزلزلات طبقاتی خویش چنان سبب سستی  
را دنبال کرد که سرانجام دستور بگلوله بستن  
محل کمیته انقلاب (ملاسا) را داد که در جریان آن  
آن حیدرخان دستگیر و بعد از چند روز بشهادت  
میرسد.

با شهادت حیدرخان، گرچه ضربه سنگینی بر  
پیگردیش انقلابی و کمونیستی ایران وارد می  
شد، اما درسی بس عظیم نیز بدست می‌دهد که  
همانا ضرورت وجود ستاد واحد و در صورت  
کامرور در اسباب مبارزات انقلابی خلق است تنها  
اینچنین رهبری است که میتواند بدور از هر  
گونه تنگ نظری و محدودنگری خرد بورژوازی  
انقلاب دمکراتیک و ضامن مبرم با لیستی خلقهای  
ایران را به پیروزی برساند.

رفیق حیدرخان عمو اوغلی بدون شک یکی  
از بزرگترین چهره‌های انقلابی و کمونیست  
ایران و کشورهای تحت سلطه است. سراسر عمر  
کوتاه و آکنده از رشادتها، فداکاریها و در واقع  
تجسم تاریخ انقلاب است. بدستی که تا ریخ ۷۰  
ساله جنبش کمونیستی میهنمان ستاره‌های  
تابناکی چون حیدرخان را کمترین ترک خویش  
دیده است. رفیق، انترناسیونالیستی بی‌گیر و  
پرشور بود که وفادار به آرمان سرخ پرولتاریا،  
شب و روز می‌جنگید و در عرصه‌های مختلف مبارزه  
چنان نبوغ و خلافتی از خود نشان داد که جنبش  
بین‌المللی کمونیستی، بزودی او را بعنوان  
فرزند ارستین و سازش‌ناپذیر طبقه کارگر شناخت  
سخنان در میهنینگ بین‌المللی کارگران  
بطور گواهی‌دهنده گواهی‌های امر است:

"رفقا! ما فرزندان خلقیم و برای احقاق  
حق خلق مبارزه میکنیم. سرمایه‌داران  
دشمن ما هستند. ما از هر گونه سازش با این  
ستامگران امتناع می‌ورزیم. اینها غنچه  
کننده جنبش‌ها و شمشیرهای خون مردم  
زخمینکشان هستند. در مبارزه با این ستامگران  
برای ما با مرگ و یا پیروزی است از راه برگشت  
و عقب‌نشینی برای ما موجود نیست! ما به  
پیروزی خود اعتماد داریم و ما  
مطمئن هستیم!"  
با دشمن گرامی و آرمان‌گرا کبیرش  
روشنگروا همان بسا!

اتحاد و همکاری حزب کمونیست و دلاوران  
جنگل و تشکیل دولت انقلابی در گیلان موجب شعله  
ور شدن مشعل انقلاب در ایران میگردد و منافع  
امپریالیسم انگلیس و مرتجعین داخلی را سخت  
بمغاطره می‌اندازد. اما داده‌های سستی‌ها تا  
درست جناح "چپ" (مانند جمله "حسان الله  
- خان" تهران که بدون تصمیم "کمیته انقلاب"  
انجام گرفته بود) از یک طرف و تزلزلات میرزا -  
کوچک خان که دمکراتی مذهبی با پایگاه  
طبقاتی خرد بورژوازی بود، از طرف دیگر،  
موجب برهم خوردن اتحاد دولت انقلابی و نهایتا  
شکست جنبش گردید. کوچک خان که رشد جنبش  
کمونیستی او را بوحشت انداخته بود، بجای  
استقبال از نقش اصلی حیدرخان که در جهه

هفتم آن سال روز دستگیری و (بفایده چند  
روز) شهادت انقلابی کبیر و کمونیست برجسته،  
رفیق "حیدرخان عمو اوغلی" است. رفیق حیدرخان  
مغز متفکری در انقلاب مشروطیت و جنبش گیلان،  
یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست ایران،  
انترناسیونالیستی بی‌گیر و پرشور بود.  
حیدرخان در سال ۱۲۵۹ در ارومیه بدنیا  
آمد و در کودکی به همراه خانواده اش جزو مهاجرینی  
بود که به روسیه رفتند. او از دانشگاه تفلیس  
مهندسی برق خود را گرفت و در همینجا بود که  
تحت تاثیر جریانه‌های انقلابی روسیه، با مارکسیسم  
و جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه آشنا شد  
و در سوسیالیسم ایران آمده بفیصلت انقلابی  
و ترویج ایده‌های مشروطه خواهی می‌پرداخت.  
در جریان انقلاب مشروطیت نقش پر تحرک و  
خلاق حیدرخان، چشمگیر و همواره موجب دلگرمی  
انقلابیون بود. بطوریکه میگویند: "ستارخان"  
انقلابی و دمکرات بزرگ، و از زبان و فکر خویش  
میدانسته است. در ایران حیدرخان به تشکیل  
اولین هسته‌های سوسیال دمکرات (اجتماعیون  
- عامیون) می‌پرداخت و دسته‌های مسلحی از  
انقلابیون (بنیاد جمعیت‌های مجاهدین)، برای  
دفاع از انقلاب تشکیل میداد که به عملیات متعدد  
و مشهورانه‌ای دست می‌زدند. (از جمله انفجار  
بمب در خانه وزیر مخصوص محمد علی میرزا، قتل  
اتابک اعظم). همراه با رشاد انقلاب جمعیت‌های  
مجاهدین سرعت در اکثر شهرهای ایران ایجاد  
می‌کردند. اما بعزت پراکنندگی و ضعف سوسیالیست  
دمکراتها، رهبری اغلب این جمعیت‌ها بدست  
عناصر سازشکار و لیبرال می‌افتاد که نتیجتا نمی-  
توانند در مقابل آنها مبارزه می‌ورزیدند و رجوع  
داخلی مفاومت کنند. تنها جمعیت مجاهدین  
تبریز تحت رهبری حیدرخان و انقلابیون چون  
"علی مسیو"، مفاومت قهرمانانه‌ای را بر علیه  
امپریالیسم روس (تزاری) و نیروهای مرتجع  
داخلی، بنیادین می‌گذاردند.  
با شلیک توپهای انقلاب کبیرا کتبیست،  
پیروزی طبقه کارگر در روسیه و برقراری حکومت  
سوسیالیستی شوراهای، روحی تازه در کارکنان  
جنبش سوسیال دمکراتیک ایران دمیده شد که  
نتیجتا شان ایجاد حزب کمونیست ایران در سال  
۱۲۹۹ بود.

نقش رفیق حیدرخان چه در تشکیل کنگره  
اول حزب در سال ۱۲۹۹ و برخورد با نظرات چپ -  
روانه‌مطروحه در آن اسوی رفیق سلطانه و  
چه در تشکیل کنگرانس با کودتای سال ۱۳۰۰ که در  
آن حیدرخان را به دبیر اولی حزب برگزیدند و  
بویژه نقش او در تصویب برنامه حزب توسط  
کمیته مرکزی ای که وی در آن قرار داشت  
و تصحیح تحلیل چپ‌روانه حزب از جامعه ایران  
که به اتحاد کمونیستی با نیروهای دمکرات و  
جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان لطمه  
وارد می‌آورد، نقشی است تاریخی که جنبش انقلابی و  
کمونیستی ایران با پدیده‌های آن با افتخار  
و تجلیل یاد...

را مورد حمله قرار داد و با آمریکا بی‌خوابند  
آنها ما هیت کشیف خود را بیشتر نمایان می‌سازد  
و به این ترتیب نشانها را نه رژیم برای  
بسیار از سقرت ما مشهور مردم با قلبی آکنده از  
خشم نسبت به سرکوبگران راهی خانه‌های ایران  
شده از خمپاره‌های آمریکا می‌خود شدند. آنچه  
مسلمانان است اینست که رژیم گرچه با اینکار میخواهد  
نشان دهد که تاجربخدا انقلابی میهنیستها را  
خوب یاد گرفته است ولی اینها هیچکدام برای  
رژیم کار ساز نخواهد بود و به ضد خودش بدل خواهد  
شد و توده‌های خلق کرد و پیروزی ما هیت پلیس  
رژیم را از میهن ما سندانیه مبارزه قاطعیتها آن بر می‌خیزد.

بقیه از صفحه ۲۱ جشن...  
عده‌ای از مردم که از شهر خارج شده بودند شب را  
در مساجد و در دوروبر سقز گذرانده بودند.  
و عده‌ای دیگر از مردم را بطرف پادگان بردند که  
بیرون کردن مردم با زور از شهر تا ساعت ۵/۵  
ادا می‌شد در این ساعت در پادگان سقز جانش  
خود فروخته و فرماندار سقز مسعود طلوعی برای  
مردم سخنرانی میکنند و در کمال بی‌شرمی به  
سپاق تمام سرکوبگران می‌گوید این که چیزی  
نیست این فقط دهن شیرینی بوده منتظر  
عروسی اش هم باشد و طبق معمول گریزی نیز به  
صحرای کربلا می‌زنند و نیروهای انقلابی و مبارز



### سالروز گرفتن سفارت : آزادی گروگانها!؟

## یادداشت‌های سیاسی هفتگی

### چه تفاوتی است میان استالینگراد و خرمشهر

۱۲ آبان سالروز گرفتن جاسوسها - آمریکا بدون تصدیق آزادی این جاسوسها - سرانجام در گذشته در مورد اهدافی که - جناح خرده‌سوروزای مرفه‌ستنی از این - کروگانگیری داشته منحرف کردن مبارزه، لغاتی - بوده‌ها، باورندن بر توهم‌نوده‌ها برای استثمار - رحمتگان و آمادگی بیشتر برای سرکوب آنها - و انقلابیون، مبارزه‌مدا میربالیستی را بسیار - در حد شعار و دستام‌فصول دانستن و بدین ترتیب - حفظ سرمایه‌داری و استهلاک‌زدن سرمایه‌داری - رحمتگان و سرفردت یافتن بیشتر در حکومت - و ضعف جناح رتیب و... سخن گفته‌ام، ایک - سکوسمان دهم که چگونه هشت خاکمه در - ارباط نامستند جنک ایران و عراق و سبب - اینجا با برسات جمهوری آمریکا در صدد آزادی - کروگانهاست، با وحدت خود را با امیربالیسم - آمریکا انرا بر داده و با وجود آن با آمریکا سر - بر مسئله کروگانها نبود آمریکا حل نماسد - طبیعی است غلبه و وحدت امیربالیسم آمریکا - و متحدان جهانی رژیم در مقابل انقلاب، تضاد - هائی سرمان هشت خاکمه ایران و آمریکا - وجود دارد، بخصوص تضاد امیربالیسم آمریکا و - جناح خرده‌سوروزای مرفه و سوروزای سنتی بر - سر حکومتی با سازای سیستم سرمایه‌داری وابسته - واضح بوده‌است، اما طبیعی است و وحدت - امیربالیسم و رژیم ایران وجه‌علی مناسبات - آنها تشکیل داده‌است.

سازمان "دول" محدود و همان مناسبات کارسز و - سرزستی که در هفتده‌سین تفسیر کردیم، بحوسی - این کوشش دوطرفه برای برکناری راستان - میدهد.

از طرف دیگر بنظر میرسد، لیسرالها و جناح - سوروزائی حزب جمهوری کارتر را بر برکناری - ترجیح دهد، و شیر غم‌تلیفان نشان که هر دو - راستا بنندگان امیربالیسم مدتها، کند، کوشش - برای آزادی کروگانها در این مقطع که مسود - کارتر تمام میشود، دستشان را روشن کند.

- - در همان هفته اول جنک ایران و عراق، ۹۰٪ مردم خرمشهر، شهر را ترک کردند.
- - صدها هزار تن کالا به ارزش میلیاردها تومان در خرمشهر بدست غارتگران بعث عراق افتاد.
- - یکماه از جنک نگذشته است که گفته میشود، عراق خرمشهر را تسخیر کرده‌است.
- - اکثر مردم آبادان، سوسنگرد، بستان، قصر - شرین، و بسیاری از مردم خوزستان و اهواز منطقه را ترک کرده‌اند.
- - آیت‌الله خمینی، بنی صدر، رجائی، خامنه‌ای، بهیسی، منطری، هاشمی رفسنجانی، و همه رهبران جمهوری اسلامی از مردم خوزستان خواستند - بودند، شهرهای خود را تخلیه نکنند، رژیم - نوده‌های ستمدیده‌ای که منطقه‌های جنک زده - را ترک میکرد و همین میسود و آنها را مورد آزار - قرار میداد. اما نوده‌ها با ترک این مناطق - وعدم شرکت در این جنک، نفرت و بیزاریشان را - از این جنک نشان دادند.

#### و اما استالینگراد

بزرگترین ماشین جنگی بشر تا آن زمان، - یعنی ارتش فاشیست نازی به استالینگراد - حمله ورند.

هزاران سربازاری و صدها تانک استالین - گراد قهرمانانه در محاصره خود در آورد، ارتش - عراق در مقابل ارتش عظیم هیتلری، چون شش - در مقابل قبل است. اما استالینگراد خرمشهر - بیود!

رهبر کبیر رحمتگان، استالین در ۱۰ اکتبر - ۱۹۴۲ به فرمانده جبهه استالینگراد فرمان داد: - "اژشما میخواستند که کلیه اقدامات لازم را - برای دفاع از استالینگراد بعمل آورید. - استالینگراد تنها بدیه دشمن تسلیم شود (۱) - و استالینگراد تنها تسلیم نشد، بلکه کمر دشمن - را شکست.

استالینگراد ماها در محاصره بسر برد. - تشنگی، گرسنگی، سرما، کمبود دارو و مهمات - نتوانست محاصره این شهر قهرمان را بشکند. - شهر مرتب زیر آتش توپخانه قرار داشت. اما - مردم دل‌آورا استالینگراد شهر ما به‌ای خود را ترک - نکردند. (۲) چرا؟ چه تفاوتی میان استالینگراد - و خرمشهر وجود داشته‌است؟

کوشش برای آزادی کروگانها بخاطر گرفتن - سلاحهای نظامی از امیربالیسم و سر تقویست - کارتر در انتخابات ما هیت "مبارزه - امیربالیستی" رژیم را هر چه عربا تر نشان میدهد - رژیم که در اوج تسلطش برای فریب نوده‌ها - آزادی کروگانها را کفر میداند، ایک بی - برده‌فول آزادی کروگانها را میدهد لیسرالها - که همیشه خواهان "روابط بسیار حسنه" - امیربالیسم بوده‌اند، از قول نویسنده کیهان - در خاندن سیاست ششده سوم آن میکویند "حل - مسئله کروگانها قبل از انتخابات سودا ایران - است، چرا که میتوان از آمریکا امتنا گرفت!" - (منظور از امتنا ز قول فروش سلاحهای امیربالیستی - از آمریکا است!) لیسرالها با وقاحت تمام - میکویند، "مهیونسیها خواهان عدم آزادی - کروگانهاست، اما علاوه بر لیسرالها، جناح - سوروزائی حزب جمهوری اسلامی نیز خواهان - آزادی کروگانهاست، گذشته از سخنان رجائی - که قول آزادی کروگانها را داده بود، رفسنجانی - نیز این اطلاقا با ما "تلیوفا قول آزادی - کروگانها را داد: وی در بیان در مورد آزادی - ۵۲ جاسوس آمریکائی که خبرگزاری‌ها این - روزها مطرح میکنند، گفت: "این مسئله مربوط - به خود آمریکا است، اگر آمریکا حقوق حقه ما را - رعایت کند و به خواسته‌های قانونی ما احترام - بگذارد ممکن است گروگانها آزاد شوند و در غیر - این صورت کروگانها همین صورت خواهند آمد" - (جمهوری اسلامی، ۵ آبان). اما هر چند، دو - جناح سوروزائی (لیسرال و رهبری حزب جمهوری) - موافق آزادی کروگانها هستند اما جناح خرده - سوروزائی حزب بنظر میرسد، موافق آزادی - کروگانها نیست.

بنوعان مثال اظهارات خوشینی‌ها - بقیه در صفحه ۸

جنک ایران و عراق بنوع خود جناح ارتش - و لیسرالها را تقویت کرد، لیسرالها که بر سر - نخست وزیر رجائی، قدرت اصلی را در حکومت - به جناح سوروزائی حزب جمهوری اسلامی سپرده - بودند، کوشیدند تا از جنک برای قدرت گیری - بیشتر خود استفاده کنند، علاوه بر آن نیز رژیم - به سلاحها و وسائل بزرگی نظامی و همینطور نیاز - به مواد و دستک‌زده اقتصادی عامل بسیار - مهمی بود که جمهوری اسلامی را بسوی عسادی - کردن روابط با امیربالیسم میکشاند. در حقیقت - جنک در این میان بنوعان عاملی نه در جهت - سرکوشی رژیم ایران توسط امیربالیسم و - بقول روبریونسیها و کمونیستهای ناپیکر - چون راهکار سوروزندگان برای حادثه کردن - "دشمنی امیربالیسم و رژیم" بلکه در جهت دوستی - و نزدیکی این دو عمل میکند، سخنان رجائی در

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست